

مذاکرات برای تحویل هواپیماهای نظامی ساخت آلمان فدرال به رژیم خمینی



دوشنبه ۲۲ دی ۱۳۶۵ برابر ۱۲ ژانویه ۱۹۸۷
بها ۶۰ ریال - سال سوم - شماره ۱۴۰

۱۲ هواپیما به رژیم خمینی بوده است. تاریخ شروع مذاکرات ام. ب. با جمهوری اسلامی مصادف با آغاز تاسهای پنهانی رژیم فقها و دولت ریگان است. به گزارش تلویزیون ای بی سی، محمد هاشمی دلال اسلحه ایرانی مقیم لندن، نقش واسطه را بقیه در صفحه ۲

آلمان فدرال، و جمهوری اسلامی برای فروش ۱۲ هواپیمای بزرگ حمل و نقل نظامی از نوع "ترانسال-سی ۱۶۰" ادامه داشته است. یک سخنگوی شرکت ام. ب. گزارش ای بی سی راتایید کرد و افزود دولت بن مشوق این شرکت در ارائه پیشنهاد فروش

دو ماه پس از فاش شدن معاملات تسلیحاتی دولت ریگان و رژیم خمینی، شبکه تلویزیونی ای بی سی آمریکا گزارش داد از یک سال و نیم پیش بدین سو مذاکرات پنهانی میان شرکت هواپیماسازی "مسر اشیت - بولکو-بلوم" (ام. ب. ب.) از بزرگترین انحصارات تسلیحاتی

کربلای ۵ تعداد کشته‌های کربلای ۴ را مضاعف کرد

* ناظرین نظامی، در کربلای ۴، ایران ۲۵۰۰۰ کشته داده است
* همه شهرها و روستاهای ایران هزاد ارشد



جنگ تمام عیار باید هر حمله اش چند ده هزار کشته دهد، از همین رو جمهوری اسلامی مصر است در جایی دست به حمله زند که عراق قوی‌ترین استحکامات دفاعی را دارد. بصره چنین نقطه ای است. کربلای ۴ بر روی ام الرصاص متمرکز بود و کربلای ۵ بر روی دریاچه مصنوعی "ماهی" در محور شلمچه و هر دو ناظر بر بصره اند. شلمچه در ۲۲ مایلی جنوب شرقی بصره است. جمهوری اسلامی مدعی است در این منطقه ۴ کیلومتر پیشروی داشته است. کهریم که چنین ادعایی درست باشد، به چه بهایی پیشروی کردند؟ هر متر دست کم ۵ کشته. پیشروی در رودخانه و دریاچه و لجنزار، زیر آتش مداوم، از زمین و هوا. برای حفظ متر از طول مسیر پیشروی شده، هر روز باید ۵ کشته دیگر هم داد. این سفاهت است یا جنایت؟ جنایت بقیه در صفحه ۹

که در عملیات کربلای ۴، ۲۲۰۰۰ ایرانی را کشته است. ناظران نظامی غربی بر روی ۲۵۰۰۰ کشته متفق القولند. ۲۵۰۰۰ کشته برای جمهوری اسلامی کافی نبود. دفتر عملیات کربلای ۴ که بسته شد، جبهه کربلای ۵ گشوده شد. در ساعت ابامداد روز جمعه ۱۹ دی جمهوری اسلامی دست به حمله تازه ای زد که بر آن کربلای ۵ نام نهاد. هدف این بود که شکست کربلای ۴ در گرد و خاک تبلیغاتی محو گردد. اما کربلای ۵ نیز حاصلی جز کربلای ۴ به بار نیاورد. حمله جدید در محور شلمچه صورت گرفت. جمهوری اسلامی چشم به بصره دوخته است. ۹ ماه تبلیغ مداوم بر روی جنگ تمام عیار و بسیج همه امکانات در این راستا به زعم رهبران جمهوری اسلامی باید به یک پیروزی پرسر و صدامنجر گردد. فتح بصره.

به شهر کوچکی در استان کیلان تلفن می‌زنیم: "تازه چه خبر؟ - جنگ! - کشته زیاد است؟ و حشمتناک! - دیروز تنها در یک ده کوچک چهار جنازه آوردند. قرار است، فردا چهارتای دیگر هم بیاورند. همه جا وضع این طور است." آری همه جا وضع بدین گونه است. همه جا عزادار کشته است. جنازه‌ها را به تدریج تحویل می‌دهند. از انعکاس یکبارہ جنایتکاری‌های تازه شان می‌ترسند. بعلاوه امکانات حمل و نقل محدود است. آنها را بیشتر به انتقال زنده‌ها برای ریختن در دهان کشاده مرگ اختصاص می‌دهند. حمل هزاران کشته و مجروح کار ساده ای نیست. امامه فهمیده اند که چه پیش آمده است. آنها بی را که کشان کشان بردند، زنده باز نخواهند گرداند. عراق اعلام کرده است

حمایت از زندانیان سیاسی يك وظیفه مبرم

ملاقات در بعضی از زندان‌های کشور و از جمله در زندان گوهردشت را لغو کرد. زندانبانان در برابر اعتراض خانواده‌ها بهانه می‌آوردند که تلفن‌های اطاق ملاقات خراب شده است. ممنوعیت ملاقات ده روز به طول انجامید. در طی این مدت فقط خانواده‌هایی که از شهرستان‌ها آمده بودند و طبعاً از اعتصاب غذا در این خبری نداشتند اجازه می‌یافتند که از "ساختمان اول" با فرزندان نشان صحبت کنند. در برخی از بندهای دیگر بقیه در صفحه ۲

زندان‌ها که تلاش داشت رسوایی حکومتیان را پرده‌پوشی کند خود گواه پیروزی نیروهای انقلاب در این عرصه نبرد بود. بررسی روند پیشرفت این مبارزات بسیار آموزنده است. در ادامه انتشار اخبار این اعتصاب دلاوران، بروید ادما و اخبار منتشر نشده و مبارزات موثر در کسب این پیروزی نظری بیافکنیم: به دنبال آغاز اعتصاب غذای زندانیان سیاسی در بند ۲ زندان اوین و اطلاع خانواده‌های زندانیان از آن، رژیم به خاطر وحشت از گسترش این حرکت،

اعتصاب غذای زندانیان سیاسی در شکنجه‌گاه‌های رژیم خمینی بار دیگر توجه جهانیان را به آنچه که در زندان‌های حکومت ولایت قبیله می‌گذرد جلب نمود. رژیم که همزمان با اعمال ددمنشانه‌ترین شکنجه‌ها و تحمیل غیر انسانی‌ترین شرایط بر زندانیان سیاسی تلاش می‌کند چهره بزرگ کرده‌ای از خود ارائه دهد، بار دیگر با اعتصاب غذای دلاوران زندانیان و افشاکری‌های انجام یافته، پنجه خونینش آنچنان که هست به نمایش گذاشته شد. مصاحبه مطبوعاتی مجید انصاری، مسئول

در این شماره

- مسعود، فرو افتاد بی آنکه سرفروید آورد، در صفحه ۲
- در مرکز تضادهای زرف، در صفحه ۱۳
- جنگ تمام عیار، در صفحه ۹
- «حفظ وضعیت موجود» محور اصلی بودجه سال ۶۶، در صفحه ۷
- شیروی گه در نقش می‌پرورفت شری از ناظم حکمت، در صفحه ۲

حمایت از زندانیان سیاسی يك وظیفه مبرم

بقیه از صفحه اول

می دادند. در تجمیع دوروز بعد از این تاریخ در جلو مجلس نیز خانواده‌ها مدام شعار "مرگ بر آمریکا" می دادند و به مردم می گفتند: "ما خانواده‌های زندانیان سیاسی هستیم."

به دنبال مبارزات پی‌گیر خانواده‌ها و ازدحام تقریباً هر روزه آنان در مقابل زندان‌های اوین و گهر دشت، در هفته اول آذرماه به زندانیان زندان گهر دشت ملاقات داده شد. خانواده‌های زندانیان اوین در روز ۲۲ آذر در حالی که از ۶ صبح در جلوی زندان ازدحام کرده بودند، ساعت ۲ بعد از ظهر موفق به ملاقات عزیزان زندانی خود شدند.

پس از پایان اعتصاب غذا در خیابان بطرق مختلف کوشیدند از فرزندان اسیر خلق انتقام بگیرند. ما قبلاً مواردی از آن را درج کردیم. از موارد دیگری که گزارش شده است، اینست که پس از اعتصاب زنان زندانی را از اطفاها و سلولها بیرون آورده و مجبور ساختند در حیاط زندان زیر باران شدید گرد آیند. پس از آن زندانبانان به اطفاها ریخته و به بازرسی وسایل مختصر زندانیان پرداختند. در نتیجه این بازرسی بسیاری از وسایل شخصی زندانیان به یغما برده شد. زندانبانان حتی وسایل دوخت و دوز زندانیان را باخود بردند. آنها همچنین زندانیان مرد را داشتند به مدت شش ساعت در هوای سرد آذرماه اوین، در حیاط سرپا بمانند. اطفاهای زندانیان مرد نیز به بهانه بازرسی زیرورو و تاراج گردید.

اعتصاب دلاورانه زندانیان سیاسی بازتاب نیرومندی در میان مردم در سطح کشور داشت. حرکات خانواده‌های زندانیان سیاسی و اقدامات تبلیغی سازمان‌های سیاسی از موثرترین عوامل آن بود. در تهران تنها یک واحد از سازمان ما، در همان زمانیکه اعتصاب در اوین جریان داشت، دو اعلامیه با عناوین "جان زندانیان سیاسی شدت در خطر است" و "برای نجات جان زندانیان سیاسی بیاخیزید!" تهیه و در سطح شهر وسیعاً پخش نمود.

* * *

در خارج از کشور اگر چه کوشش‌هایی در جهت پشتیبانی از اعتصاب زندانیان سیاسی صورت گرفته است اما اقدامات انجام شده

زندان اوین که از خبر اعتصاب غذا مطلع گشته بودند تشدید فشار آغاز گشت تا دیگر زندانیان از پشتیبانی زندانیان اعتصابی بازداشته شوند. سهمیه نان بنده ۵ اوین را که زندانیان مرد منتقل شده از قزل حصار را در آن جای داده بودند به نصف تقلیل دادند و بهانه آوردند که شامان خود را در اختیار زندانیان بندهای اعتصابی قرار می‌دهید!

همانگونه که در شماره گذشته گزارش شد خانواده‌های زندانیان سیاسی اقدامات اعتراضی و افشاگرانه گسترده‌ای را به انجام رساندند. گروه‌های زیادی از مادران و دیگر افراد خانواده زندانیان سیاسی، متحداً با مراجع به مقامات رژیم و دفتر صلیب سرخ بین‌المللی خواسته‌های فرزندان خویش را پی گرفتند. ازدحام شش ساعته خانواده‌های زندانیان در مقابل مجلس رژیم در زیر باران که با توضیح وقایع و تشریح وضعیت زندانیان برای مردم همراه بود از موارد موثر این اقدامات بود. در روز ۲۷ آبان خانواده‌های زندانیان سیاسی به وسیله ۴ اتوبوس به قم رفتند و خواستار بهبود وضعیت زندان و آزادی زندانیان سیاسی شدند. در این اجتماع مادران زندانیان، نماینده منتظری را که همچون همیشه می‌کوشید با وعده رسیدگی، خانواده‌ها را پراکنده سازد به یادناز اگر رفتند. یادآوری که گفته بود: "سره‌های شما پدر ما را درآوردند، ما هم پدرشان را در می‌آوریم." با هجوم مادران متواری گردید. در جلوی خانه منتظری یکی از مادران بخاطر وضعیت فرزند زندانی اش در حالیکه فریاد می‌کشید، بقدری بر سرو روی خود کوفت که بیهوش بر زمین افتاد. دیگر مادران یک‌صدا شعار "مرگ بر آمریکا" سر

دیدار رفیق مهدی فتاپور

با مسئول شعبه روابط بین‌المللی حزب کمونیست آلمان

صدور اسلحه به ایران باید متوقف شود

جنگ بی‌رحمانه و خونین وی علیه مردم ایران به عمل آوردند... فتاپور خواهان گسترش همبستگی با دمکراتهای ایرانی و ایجاد جنبش گسترده برای پایان بخشیدن به صدور اسلحه به ایران در کشورهای گردید که به ایران اسلحه تحویل می‌دهند.

پس از افشای مذاکرات پنهانی شرکت هواپیماسازی ام.ب.ب با جمهوری اسلامی برای تحویل ۱۲ هواپیمای نظامی، علاوه بر حزب کمونیست آلمان، حزب سوسیال دمکرات و سیزده نیز این مذاکرات را محکوم کردند.

رفیق مهدی فتاپور عضو هیات سیاسی کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) با رفیق دیرک کروگر، مسئول شعبه روابط بین‌المللی حزب کمونیست آلمان دیدار و گفتگو کرد. روزنامه عصر ما ارکان حزب کمونیست آلمان ضمن درج خبر این دیدار رفیقانه می‌نویسد: "فتاپور در رابطه با معاملات شوم و پنهانی رژیم خمینی با دولت ریگان اظهار داشت هر روزی ایران بطور آشکار آماده است با نیروهایی به سازش برسد که حمایت تعیین کننده‌ای از شاه در

مذاکرات برای تحویل هواپیماهای نظامی ساخت

آلمان فدرال به رژیم خمینی

بقیه از صفحه اول

سیاست درستی است، و افزود اینک کنش وزیر خارجه آلمان فدرال در برخورد با جمهوری اسلامی در مقایسه با مذاکرات آلمان فدرال و عربستان سعودی نیز گشاده‌روتر است، از نظر این شرکت عملکرد صحیحی است.

محمد هاشمی واسطه معامله تسلیحاتی ایران و آلمان فدرال در مصاحبه با ای بی سی اظهار داشت هیاتی از شرکت ام.ب.ب در سال ۱۹۸۶ به تهران رفت و در آنجا به مذاکره با مقامات ایرانی پرداخت. هواپیمای ترانسال محصول مشترک آلمان فدرال و فرانسه است. این هواپیما برای حمل نفرات، مهمات و خودروهای نظامی ساخته شده و می‌تواند از فرودگاههای اضطراری و موقتی نیز استفاده کند. این هواپیمای دو موتوره قادر به حمل ۹۰ سرباز با تجهیزات کامل و یا خودروهای زره‌پوش با وزن مجموعاً ۱۷ تن است. برد هواپیما ۵ هزار کیلومتر می‌رسد.

در مذاکرات ام.ب.ب و جمهوری اسلامی ایفا کرده است و طرفین با پرداخت ۴۸ میلیون دلار به عنوان کمیسیون به وی موافقت نموده‌اند. شبکه تلویزیونی ای.بی.سی اعلام کرد، فتوکپی نامه‌های شرکت ام.ب.ب به روسنجانی و محمد هاشمی واسطه فروش سلاحها را در اختیار دارد.

معاون رئیس هیئت مدیره شرکت "سراسمیت بولکوبلوم" در یک مصاحبه گفت از ۱۸ ماه پیش بدین سو این شرکت با دولت بن و تهران در مورد تحویل هواپیماها به ایران در مذاکره است. وی گفت: "بن، روشن و صریح گفت که هیچ مخالفتی با تحویل هواپیماها ندارد، اما مدعی شد که شرکت مژبور و دولت آلمان فدرال می‌خواسته‌اند هواپیماها را پس از پایان جنگ به رژیم خمینی بدهند! سخنگوی این شرکت سوداگر مرگ گفت ادامه و حفظ تماسها با تهران

جرج شولتز خواهان بهبود روابط با رژیم خمینی شد

هنگام برکناری پوپین دگستر مشاور امنیت ملی پیشین ریگان، شولتز بدستور رئیس جمهور آمریکا مسئولیت کامل تنظیم سیاست و اشلتن در قبال ایران را برعهده گرفت. سخنان اخیر شولتز را نباید شرح رؤس سیاست آمریکا در رابطه با رژیم خمینی دانست. این سیاست پس از افشاح "ایران گیت" نیز تغییر نکرده است.

وی تاکید کرد ایالات متحده آمریکا "انقلاب اسلامی" را به عنوان واقعیت پذیرفته است.

مطبوعات آمریکا با افشای بندوبست‌های پنهانی کاخ سفید و جماران ادعا می‌کردند جرج شولتز از مخالفان این روابط پنهانی بوده است. اظهارات اخیر شولتز بی اساس بودن این ادعا را نشان می‌دهد، از

جرج شولتز وزیر خارجه آمریکا گفت ایالات متحده در راه بهبود روابط با ایران خواهد کوشید. وی افزود: "دولت تهران به اندازه کافی دلایل دارد که به دنبال دوست بگردد. از جمله ایران مرزی طولانی با اتحاد شوروی و مسئله افغانستان را در پشت درخانه خود دارد." شولتز ایران را "قطعه‌ای حساس در جغرافیا خواند.

مسعود، فرو افتاد بی آنکه سرفروود آورد



در فردایی دیگر بعنوان انسانی مسئول و دانا، به مردمی که رنج و مشقت سالهای سال حاکمیت سرمایه و استثمار و عقب ماندگی را به دوش می کشند خدمتگزار باشی. این حقیقت را باید باور کنیم که زندگی بدون عشق و رزیدن به مردم، بدون تلاش در راه آرمانهای شریف انسانی یعنی نبرد در راه ترقی اجتماعی، برای سعادت و بهروزی توده ها، هیچ معنا و مفهومی ندارد و در این راه ما باید پیشگام مبارزه در راه آزادی خلق باشیم... باشد که در فردایی دیگر در کنار هم به خدمتگداری خلق بپردازیم.

حال که این نامه را برایت می نویسم به یاد دورانی که در کنار دوستان با هم بودیم می افتم، خاطرات شیرین گذشته و جوانی چه دل انگیز است. اینک مدت ها است که از زادگاه خود دوریم. زادگاهی که هر کوجه باران زده اش بر ایمان یادآور خاطره ای است. خاطره یارانی که دوستان داریم و دل ما از دوری آنان به خود فشرده است. ساحل خزر، نشستن به قایق و به دریا زدن، در کنار کومه ساحلی... به زیر سایه نشستن...

"... ابوالقاسم لاهوتی افسر شریف و انقلابی که رهبری قیام آذربایجان را برعهده داشت پس از شکست قیام مجبور به مهاجرت گردید... (لاهوته) از خود شعرهای زیادی برجای گذاشته است که سرشار از عشق به مردم و وطن بود. شعرهایی که فقط می تواند از آتشکده مقدس قلب یک انسان شریف زبانه کند... اگر وطن چمدان پول نباشد، وطن و خاکش زادگاه هزار زحمتکش محروم باشد، وطنی که در بند اسارت برای لحظات آزادی تب داغی به تن می گیرد، وطنی که می خواهد تاریخ و

دشمن، مسعود ناصر حجتی، فدایی فداکار و دلور را از میان ما ربود. دشمن کینه چسب و ضد بشر در هراس از نبرد پر شکوه رزمندگان فدایی، تمام سببیت و آموخته هایش را بکار بسته است تا رزم این فرزندان قهرمان خلق را سدی شود، تا بر پیکر سازمان ما شمشیر کشد و این گردان رزمنده پرولتاریا را از حرکت باز دارد. با این خیال عبث، دشمن تنها در تابستان امسال بیش از هزار فدایی خلق را به زنجیر کشید. در هراس از خروش خشم مردم، آنان را مخفیانه و با استفاده از تاکتیک "سکوب در تاریکی" ربود. پیکرشان را آماج سهمگین ترین شکنجه ها ساخت. عوامل خمینی با شکنجه به بند کشیده شدنگان می کوشند به اطلاعاتی دست یابند تا به کمک آن مبارزه بلاوقفه تشکیلات سراسری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) را مختل نمایند.

اما رژیم خمینی در گریز از مرگ محقوم همانقدر ترفیق یافته است که رژیم شاه. هشیاری، تحرک و اراده استوار فداییان خلق و پایمردی اسیران باز هم شکست را نصیب این شکست خوردگان تاریخ می کند. رفیق مسعود ناصر حجتی از زمره دلورانی بود که شکنجه گرش را ندا داد "مقاومت می کنم تا مرگ را از آن تو کرده باشم".

مادر شماره گذشته گوشه هایی از زندگی مسعود را درج کردیم. در این شماره برای شناساندن این گرومبارز بخش هایی از دو نامه او را که به یکی از دوستانش در خارج از کشور نوشته است منتشر می سازیم:

"... این آرزوی من است که تو

در قیاس با امکانات موجود بسیار ناچیز است. در حالیکه در اعتصاب غذای زندانیان سیاسی، زندانیانی با عقاید و وابستگی های سازمانی متفاوتی شرکت داشتند، در حالیکه خانواده های زندانیان بی توجه به اینکه فرزندان شان به کدام سازمانی وابسته بوده اند متحدان عمل کرده اند، در خارج از کشور تنگ نظری گروهی و انحرافات شدید سکتاریستی و تسلیم طلبی در برابر تحریکات تفرقه افکنانه راه مرکوبه اقدام متحدی را تا به امروز سد کرده است. رهبری بسیاری از سازمانهای سیاسی در خارج از کشور قبل از اینکه در فکر وظایف خود و انجام اقدامات موثر در پشتیبانی از هم زمان شان در زندانهای کشور باشند، نگران این بوده اند که مبادا ضروریات پدید آمده برای مبارزه، مشترک، بر افتراقات موجود چیره شود و مسئله اتحاد عمل در دستور قرار بگیرد.

برغم وضعیت تلخ موجود در خارج از کشور، فدائیان خلق در کشورهای مختلف با احساسیت انقلابی ویژه ای وظایف خود را دریافته اند و به اشکال مختلف کوشیده اند افکار عمومی جهان را در حمایت از زندانیان سیاسی ایران بسیج کنند، اعتصاب غذا در سوئد، دانمارک، آمریکا و اتریش از جمله آنها بود که با نقش فعال فدائیان خلق صورت گرفت. فدائیان خلق چه پیش از اعتصاب زندانیان اوین و چه در جریان این اعتصاب اعلام داشتند که برای عمل مشترک با همه نیروهای مبارز در پشتیبانی از زندانیان سیاسی آماده اند. رهبران و مسئولین سازمانهایی که اینگونه پیشنهادها را مسأله را بی پاسخ می گذارند، موظف هستند پاسخ دهند که از چه رو مبارزه مشترک زندانیان سیاسی از گروهها و سازمانهای مختلف ممکن است، اما مبارزه مشترک اعضا و هواداران همان گروهها و سازمانها در پشتیبانی از همین زندانیان سیاسی در خارج از کشور ممکن نیست؟ باید پاسخ دهند آیا کار مشترک زندانیان سیاسی کشور اصولی و انقلابی است و یا سماجت در تفرقه انگیزی در خارج از کشور!

ما همانگونه که در اکثریت شماره ۱۴۷ نوشته ایم بر این باور هستیم که اتحاد عمل "نخستین درس مبارزه کسانی است که غل و زنجیر بر دست و پای دارند اما دست اتحادیه یکدیگر داده اند". از آنها بیاموزیم و در راه اتحاد در مبارزه کام نهم!

شخصیت به استثمار کشیده شده اش را رها سازد... مشوق همه عاشقان راه صلح و آزادی است. این وطن چقدر عزیز و دوست داشتنی است و دوری از آن برای هر انسان مبارز چقدر سخت و آزار دهنده است. بی شک قلب لاهوتی با آن همه شور می توانست غم جدایی میهن را تحمل کند که آنچنان با سوز و گداز برای مردم محرومش شعر می سرود... می دانم که برای تو هم دوری از میهن سخت است به ویژه که در اوج جوانی خود به سر میبری، دوره ای که رویاها و آرزوهای بسیار زیبایی را در سر داشتی و هر گوشه از این آب و خاک و کوچه های شهرت برای تو خاطره ای بود... ما در انتظاریم که کشتی طوفان زده انقلاب... ساحل صلح و آزادی را در جستجو باز یابد و به دیدار باران ما... در ساحل امید نایل شویم. و این آرزوی شریف فرد فرد ماست. ©

ناظم حکمت

شیری گه دو نفس می چرخد

پشت میله های آهنین
شیری را که گرد خود می چرخد بنگر.
چشماتش را بنگر
که نفرت از آن سرریز است
و کینه جوی
چون دوتیغ آخته ی پولادین.
سنگین و پرابهت
نزدیک می شود
دور می شود
می آید، می رود
می آید، می رود
سایه ی برادرم بر دیوار زندان،
گاهی کوتاه می شود و گاهی بلند.

اما
بر گردن ستبر یالدارش
جای قلاده نخواهی دید...
پس پس می رود
به زانوان پر توان حامل پنجه هایش می نگر
با یال سیخ شده بر گردن مفرور
نزدیک می شود
دور می شود
می آید می رود
می آید، می رود
سایه ی برادرم بر دیوار زندان،
گاهی کوتاه می شود و گاهی بلند.

لایحه بیمه بیکاری حربه ای برای استخداام کارگران زن

حسین کمالی نماینده تهران در مجلس شورای اسلامی و رئیس کمیسیون کار و امور اداری و استخدای مجلس در یک گفتگوی مطبوعاتی درباره "ویژگیهای لایحه بیمه بیکاری" سخن راند. لایحه بیمه بیکاری که در هیات دولت جمهوری اسلامی به تصویب رسیده است، بصورت یک لایحه "یک فوریتی" در مجلس به بحث و مذاکره گذاشته خواهد شد. باید خاطر نشان ساخت که بدنال کاهش درآمدهای ارزی رژیم در اثر سقوط بهای نفت، بسیاری از واحدهای تولیدی کشور که "واحدهای ارزبر" نامیده می شوند، از تولید باز ماندند. لایحه بیمه بیکاری که هنوز از تصویب مجلس شورای اسلامی نگذشته است، در واقع واکنش و عکس العمل جمهوری اسلامی در قبال شارفزاینده بیکاران کشور است. رئیس کمیسیون کار و امور اداری و استخدای مجلس فاش ساخت که بابت تامین حق بیمه بیکاری مبالغی از دستمزد کارگران شاغل برداشت خواهد شد. وی گفت: "نرخ در نظر گرفته شده در این لایحه، ۵ درصد دستمزد کارگر است که مشترکاً از سوی کارگر و کارفرما پرداخت می شود."

کمالی در باره سقف پرداختی بیمه بیکاری اظهار داشت: "سقف پرداخت بیمه بیکاری را با حداقل دستمزد بررسی کرده ایم و گفته شده برای کارگر مجرد حداقل حقوق پرداخت می شود و این پرداخت ۲ تا سال ادامه خواهد داشت که اگر تا این

زمان (۲ سال) به طول انجامد، در سال سوم به دو سوم حداقل دستمزد برای مجردین کاهش پیدا خواهد کرد. اما برای کارگران متاهل به نسبت هر یک از افراد تحت تکفل تا ۴ نفر ۲۰ درصد به حداقل دستمزد افزوده خواهد شد."

بر اساس مفاد مصوبه هیات وزیران، کارگران بیکار تنها با تاییدیه کارفرما و شورای اسلامی کار و همچنین تایید وزارت کار و امور اجتماعی می توانند حق بیکاری دریافت کنند. باید افزود کمالی در مصاحبه خود، بارها فاش ساخت که برخی از مسئولین مملکتی و نمایندگان مجلس با همین لایحه نیم بند بیمه بیکاری نیز ابراز مخالفت کرده اند.

از سوی دیگر رژیم جمهوری اسلامی با استفاده از بند "ه" ماده ۸ این لایحه قادر خواهد بود، کارگران بیکار شده را با "حداقل دستمزد" مجدداً بکار گیرد و در صورت امتناع کارگر از پذیرش این میزان حقوق، بلاواسطه مقرری ایام بیکاری وی قطع خواهد شد. در بند مذکور آمده است: "در موارد زیر مقرری ایام بیکاری قطع خواهد شد... هرگاه کارگر به نحوی از انحاء با دریافت مزد ایام بلا تکلیفی به کار مربوطه اعاده گردد،" و وی از پذیرش کار امتناع ورزد. بدین ترتیب رژیم قادر خواهد شد کارگران بیکار شده از یک واحد تولیدی را با "حداقل دستمزد" در همان کار سابق استخداام نماید.

پروژه احداث خط لوله نفت به ترکیه

اطلاعات (۱ دیماه - آقازاده وزیر نفت جمهوری اسلامی که برای مذاکره با مقامات ترکیه راهی آن کشور شده بود در جریان سفر خود با "تورکوت اوزال" نخست وزیر ترکیه، وزیر مشاور در امور نفتی ترکیه دیدار و گفتگو کرد. ترکیه در سال جاری میزان خرید نفت خود را از جمهوری اسلامی به میزان ۲۰ درصد کاهش داده است. در مذاکرات بین وزیر نفت رژیم با مقامات ترکیه، توافق شد که در سال ۱۹۸۷، جمهوری اسلامی میزان ۶ میلیون تن نفت خام به ترکیه صادر نماید. آقازاده تاکید نمود که فروش نفت به ترکیه از این پس دیگر به شیوه "نت بک" نخواهد بود و با نرخ رسمی اوپک صورت می گیرد. در ملاقات آقازاده با مقامات ترکیه، پیش نویس طرح اجرای پروژه احداث خط لوله نفت

گاز به ترکیه مورد بررسی قرار گرفت. بر اساس برآورد فعلی پروژه احداث خط لوله نفت به ترکیه بالغ بر ۴/۲۰۰ میلیارد دلار هزینه در بر خواهد داشت و جمهوری اسلامی در انتهای پروژه قادر خواهد بود روزانه ۱ میلیون بشکه نفت به اروپا صادر نماید.

وزیر مشاور در امور نفتی ترکیه، "ضمن ابراز خوشحالی از روند مثبت مذاکرات، اظهار داشت: در مذاکرات اخیر همچنین در مورد اجرای پروژه احداث خط لوله نفت و گاز ایران به ترکیه نیز گفتگوهای انجام شد که بسیار مفید واقع گردید و امیدواریم که سال ۸۷ سال شکوفایی روابط دو کشور در همه زمینه ها باشد."

آموزش نظامی دانش آموزان در اردوگاههای نظامی

کیهان ۹ دیماه - اکرمی وزیر آموزش و پرورش جمهوری اسلامی درباره آموزش نظامی دانش آموزان اعظم کرد: "این وزارتخانه با همکاری سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مشغول تعلیم آموزش نظامی به کلیه دانش آموزان مدارس است و برای نیل به این اهداف، آموزش نظامی در مدارس

راهنمائی تدریس می شود. وی درباره چگونگی این آموزش عنوان نمود: "دانش آموزانی که کلاسهای تئوری آموزش نظامی را طی می کنند، در مواقع مناسب تحت نظر مربیان تربیتی چند روز در اردوگاههای نظامی جهت آموزش عملی نظامی اسکان داده می شوند."

محدودیت های تازه برای نبروهای مترقی ایرانی در آلمان فدرال

کیهان هوایی ۱۰ دیماه - در دیدار فراینتاگ سفیر جمهوری فدرال آلمان و بهزاد نبوی وزیر صنایع سنگین جمهوری اسلامی، راههای گسترش مبادلات اقتصادی جمهوری اسلامی و آلمان فدرال در زمینه صنایع کشتی سازی، و اگز سازی، تولید موتورهای دیزلی و انواع ماشین آلات راه سازی بررسی شد. در این ملاقات طرفین همچنین اظهار امیدواری کردند همکاری های فنی - صنعتی میان دو کشور گسترش بیشتری یابد. این در حالی است که محمد جواد سالاری سفیر جمهوری اسلامی در آلمان فدرال، گفت در صورت محدودتر کردن فعالیت نبروهای مخالف رژیم خمینی در آلمان فدرال مناسبات در کشور گسترش بیشتری خواهد یافت، اعمال محدودیت های تازه برای ایرانیان مقیم آلمان مضمون اصلی مذاکرات سالاری با "مایر لندروت" معاون سیاسی وزارت امور خارجه آلمان فدرال بوده است.

روزنامه رسالت اول دیماه که خبر این دیدار را منتشر کرده است به نقل از معاون سیاسی وزارت امور خارجه آلمان فدرال اعلام کرد: "معاون سیاسی وزارت امور خارجه آلمان فدرال نیز در پاسخ ضمن درخواستی رسمی از رفتار پلیس فرانکفورت (حادثه حمله به غرفه جمهوری اسلامی در نمایشگاه بین المللی کتاب)، به سفیر ایران اطمینان داد که در آینده چنین حادثه ای رخ نخواهد داد. مقام آلمانی همچنین طلاقندی دولت متبوهش را برای گسترش هر چه بیشتر روابط با جمهوری اسلامی ایران اعلام کرد."

شرایط سیاسی

برای اجازه خروج دانشجویان

کیهان ۱۲ دیماه - ضوابط جدید برای صدور مجوز خروج از کشور و استفاده از حواله بلیط هواپیما برای دانشجویان ایرانی خارج از کشور از سوی معاونت دانشجویی وزارت فرهنگ و آموزش عالی جمهوری اسلامی ابلاغ شد. بر اساس این بخشنامه، آندسته از دانشجویان ایرانی خارج از کشور که بمنظور دیدار والدین خود به ایران سفر می کنند، بهنگام خروج با محدودیتهای جدیدی مواجه خواهند بود.

به نوشته روزنامه کیهان در بخشنامه مزبور جهت صدور اجازه خروج برای دانشجویان با مهر خروج دانشجویی" ابتدا بر دارا بودن تابعیت ایران و تدبیر به اسلام یابیکی از ادیان رسمی کشور، اعتقاد به نظام جمهوری اسلامی و همکاری نداشتن با جناحهای ضد انقلاب و گروههای تروریستی و رعایت شئون اخلاق اسلامی در خارج از کشور تاکید کرده است. بر اساس بخشنامه جدید در عرصه حواله های بلیط رفت و برگشت هواپیما برای این دانشجویان نیز محدودیتهای اعمال خواهد شد.

تجمع نیروهای نظامی جمهوری اسلامی در مرز افغانستان و شوروی

اطلاعات ۱۲ دیماه - جمهوری اسلامی با احداث دهها پستگاه و آسایشگاه و برجهای نظامی، نیروی نظامی بیشتری در مرزهای خراسان با کشورهای اتحاد شوروی و افغانستان بسیج می‌کند. سرپرست "دفتر طرح تامین مرز استان خراسان" در مصاحبه با خبرنگاری جمهوری اسلامی تصریح کرد: "با ایجاد ۱۲۹ کیلومتر راه مرزی و احداث ۲۶ آسایشگاه و ۱۴ پستگاه، امنیت بخشی از مرز استان خراسان با در کشور شوروی و افغانستان تامین شد." وی افزود: "در اجرای طرح تامین امنیت مرز خراسان در هر چهار کیلومتر یک پستگاه و به فواصل ۵۰۰ متر، جاده مرزی و در مناطق مورد لزوم برجک ایجاد می‌شود." وی هدف از ایجاد راههای مرزی را "کنترل و اشراف بر نوار مرزی، امکان گشت زنی و ترده بیشتر نیروهای انتظامی و دست یابی پستگاهها به یکدیگر و نهایتاً به مراکز پشتیبانی" ذکر کرد.

۵۷ درصد بیماران ستانهایی خصوصی در تهران است

کیهان ۱۱ دیماه - اداره آمار اقتصادی بانک مرکزی جمهوری اسلامی طی گزارشی نتایج بررسی آماری خدمت بیمارستانها و درمانگاههای بخش خصوصی در مناطق شهری کشور در سال ۱۳۶۴ را اعلام کرد. بر اساس این گزارش در طی سال ۱۳۶۴، جمعاً تعداد ۲۸۹ باب بیمارستان و درمانگاه خصوصی با ۹۶۶ تخت در مناطق شهری کشور دایر بوده که ۱۶۶ باب آن (۵۷/۴ درصد) با ۵۰۴۷ تخت در تهران و ۱۲۲ باب بقیه (۴۲/۵ درصد) با ۴۶۱۲ تخت به سایر مناطق شهری کشور اختصاص داشت. در سال مورد گزارش، ارزش فروش خدمات بیمارستانها و درمانگاههای بخش خصوصی مناطق شهری به حدود ۲۷۶۱۵ میلیون ریال بالغ گشت.

نقارت مستقیم "ولی فقیه" بر موسسات کیهان و اطلاعات

کیهان هوایی ۱۷ دیماه - در پی "استفسار" حجت الاسلام دعائی و حجت الاسلام خاتمی نمایندگان خمینی در موسسات کیهان و اطلاعات از خمینی مبنی بر وضعیت حقوقی این دو موسسه، سید احمد خمینی اعلام کرد که از این پس "این دو موسسه بزرگ مطبوعاتی زیر نظر مستقیم مقام معظم ولایت فقیه اداره" خواهد شد. میرحسین موسوی نخست وزیر نیز پیش از اعلام "متن موافقتنامه" خمینی اظهار داشته بود: "این جانب فکر می‌کنم موسسات فوق آزاد از بنیاد وزیر نظر مستقیم مقام معظم ولایت فقیه اداره شود بهتر خواهد بود." باید خاطر نشان ساخت که یک هفته پیش از آن، سید محمد اصغری سرپرست کیهان طی سخنانی برای جلب اطمینان "ولی فقیه" اظهار داشته بود: "ما در اینجا به همه اعلام می‌کنیم که تلاش ما این است که در خط دقیق رهبری و امامت حرکت نمائیم... در این جریانها اجتماعی و یرتحول کیهان باید تلاش کند خود را با رهبری اسلامی و امامت تطبیق دهد."

رسالت: موضوع مهدی هاشمی فراموش نشود!

اسلامی که بعنوان ناطق قبل از دستور سخن می‌گفت، خطاب به جناح مخالف اظهار داشت: "اگر راست می‌گوئید و از امام حمایت می‌کنید چرا عده‌ای از شما هنوز داستان سید مهدی را می‌خواهید منحرف کنید و طی اعلامیه‌ای به امضای ۱۴۵ نفر، گروه وابسته و منحرف و توطئه‌گر را محکوم نکردید؟ چرا هنوز عده‌ای در گوشه و کنار کشور آنرا قضیه غیر قابل اهمیت تبلیغ می‌کنند؟" آیت الله آذری قمی ضمن دفاع از فقه اسلامی، جناح خود را طرفداران راستین "فقه آل محمد" نامید و جناح مخالف را به دور شدن از مبانی این فقه متهم نمود.

باید خاطر نشان ساخت که جناح مخالف نیز با حمله به روزنامه رسالت، آنها را به دور شدن از "امام" متهم کرده و پیروان این جناح را "بی‌شرف" لقب دادند.

جریان سفر مک فارلین از زبان رجائی خراسانی

مایکسری سئوالات دقیق از ایشان کرده‌ایم و به دقت به پاسخ آنها گوش داده‌ایم... و حتماً هم وقتی می‌رفتند چیزی به آنها نداده‌ایم، چون روشن‌تر از این مساله‌ای نمی‌تواند وجود داشته باشد. چرا، چون وقتی مک فارلین به اینجا آمد، ایشان کاملاً در اختیار ما بوده است با هر کسی خواستیم صحبت کرده و اصولاً انتخاب کاملاً در اختیار ما بوده است. دوم اینکه کسانی که آنجا بودند کذب بودند. حتماً یاران جمهوری اسلامی و خبرنگاران سیاسی ما بودند. بنابراین اگر ما یک خلاصه اطلاعاتی در ذهنمان وجود دارد لزومی ندارد این خلاصه اطلاعاتی را با سئوالات بد و نامیمنون بکنیم. دیگر تفاوتی نمی‌کند چه من بروم یا آنها صحبت کنم و چه کس دیگر... من فکر می‌کنم کلیات قضیه را آقای رفسنجانی به قدر کافی و شافی توضیح دادند و بعد یک سری جزئیات هم هست که خوب اصلاً گفتنش درست نیست... هست چیزهایی که مطرح کردندش به نفع جمهوری اسلامی در یک شرایطی نیست."

میزان رسمی تلفات و خسارات سیل

روستائی به صورت صد درصد تخریب شده‌اند و ۱۵ هزار واحد مسکونی دیگر آسیب دیده‌اند. از مجموع ۲۵۹۰ مدرسه ۴۰ درصد کاملاً تخریب شده و ۶۰ درصد خسارت دیده‌اند. همچنین ۱۷۴۹ کیلومتر راه اصلی و فرعی صدمه دیده‌اند و ۱۱۶۰ دهنه واحد پل تخریب شده که دیگر قابل استفاده نیستند. به ۱۵۰ درمانگاه و خانه بهداشت نیز در جریان سیل آسیب وارد شده است."

سرپرست ستاد ویژه نخست‌وزیری میزان خسارات وارده ۶ استان سیل‌زده را ۱۲۰ میلیارد ریال اعلام کرد. گرچه این آمار بسیار کمتر از میزان خسارات وارد آمده است، ولی دولت جمهوری اسلامی در بودجه سال ۶۶، تنها مبلغ ۱۰ میلیارد ریال را برای مناطق سیل‌زده پیش‌بینی کرده است.

روزنامه رسالت که با مسئولیت آیت الله احمد آذری قمی انتشار می‌یابد، در سلسله مقالاتی حمله به جریان مهدی هاشمی را ادامه می‌دهد. با پایان گرفتن سرمقاله‌های احمد توکل (وزیر سابق کار) که تماماً به حمله به جریان مهدی هاشمی اختصاص داشت، سرمقاله جدید این روزنامه تحت عنوان "باز هم هیجانی دیگر... سپس "فراموشی" این موضوع را کماکان ادامه می‌دهد. روزنامه رسالت در حمله به جناح مهدی هاشمی، تنها به درج این مقالات (سرمقاله) بسنده نکرده و به درج مقالات دیگری تحت عنوان "مقالات وارده" که حول همین موضوع است، می‌پردازد. خط‌حاکم بر این مقالات، متهم کردن جناح مقابل به "منحرف کردن" موضوع مهدی هاشمی، "مسکوت گذاردن" آن و همدستی با این جریان است. احمد آذری قمی در جلسه علنی مجلس شورای

کیهان ۱۲ دیماه - رجائی خراسانی سفیر و نماینده دائمی جمهوری اسلامی در سازمان ملل در یک مصاحبه مطبوعاتی با روزنامه کیهان درباره سفر مک فارلین مطالبی را عنوان کرد. وی گفت: "... نظر چند روزی که در ایران بودم و تجربه شخصی من است چند سخنرانی در جاهای مختلف داشتم در همه این سخنرانیها می‌دیدم که قسمت عمده سئوالات به سفر مک فارلین مربوط بود و این نشان می‌دهد که ابهام هنوز در اذهان برخی از اقشار وجود دارد... آنچه که باید در اینجا محور درست اندیشی باشد این است که فرض بفرمائید که خود من هم که در نیویورک بودم آیا تعجب نکردم، تعجب کردم... خوب آیا برادران من در ایران میتوانند مرتب در حال دلهره و اضطراب باشند که خدای، ناکرده چون من در محیطی زندگی می‌کنم که اطرافم آمریکایی است پس بنابراین بیک طوری می‌شود؟ نه چون آنها به من اعتقاد دارند و من هم صد درصد به کسانی که در هتل با مک فارلین دیدار و گفتگو کردند اعتماد دارم. حتماً

کیهان ۱۴ دیماه - جلیل بشارتی سرپرست ستاد ویژه نخست‌وزیری در امور مناطق سیل‌زده در مصاحبه مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی میزان تلفات و خسارات مالی سیل را تشریح کرد. وی اظهار داشت: "رقم کل تلفات انسانی ناشی از سیل ۴۲۴ نفر در استانها گزارش شده است و همچنین در کل خسارات مقام اول را استان فارس با ۵۶ درصد دارا می‌باشد و به ترتیب در استانهای بوشهر ۲۰ درصد، کرمان ۹ درصد، یزد ۶ درصد، خوزستان ۴/۵ درصد و استان کهگیلویه و بویر احمد ۴ درصد گزارش شده است. خسارات در بخش کشاورزی ۴۰ درصد، در بخش واحدهای مسکونی شهری و روستایی ۲۰ درصد، در بخش راه و تاسیسات ۱۷ درصد گزارش شده است." وی خاطر نشان ساخت: "۱۲۲۴ روستا در جریان سیل خسارت دیده‌اند. ۱۰۸۹۲ واحد مسکونی شهری و

در کارخانه "ایران بهلر"

روز ششم مهرماه در کارخانه "ایران بهلر" انتخابات شورای آن برگزار گردید. در این انتخابات بیش از سه چهارم کارگران در اعتراض به فرمایشی بودن آن رای سفید به صندوق ریختند. "ایران بهلر" از جمله کارخانه‌هایی است که خط تولید آن جهت تامین نیازهای جبهه و پشت جبهه تغییر یافته است. تولید قبلی کارخانه چکش بادی بود. هم اکنون تولید آن خمپاره، آر. پی. جی. و قنبلات سلاحهای سنگین برای سپاه پاسداران است. کارگران کارخانه با کم کاری عمدی، ایجاد اختلال در خط تولید و عدم رعایت مقررات فنی ادامه تولید نتایج کارخانه را دچار اشکال ساخته‌اند. مسئولین کارخانه یکبار در شهریور ماه در واکنش علیه کارگران دستور دادند جیره نقدی کارگران موقت را که ۲۰ تومان در روز بود قطع کنند. چندی بعد از آن نیز اداره کار با صدور بخشنامه‌ای دستور داد کسانی که در سال ۶۵ "پایه" گرفته و هشت تومان به دستمزد روزانه آنان افزوده شده است، "پایه" شان لغو گردد و کارگران پولهای دریافت شده را پس بدهند.

بر زمینه همین تشبثات سرپرستان کارخانه روز نوزدهم مهرماه از خرید نان برای شام کارگران خودداری کردند. آنان در نظر داشتند در صورت موفقیت توطئه خود به همین شکل بازم به حذف مزایای کارگران ادامه دهند. اما همان شب کارگران در اعتراض به عدم خرید نان در آشپزخانه کارخانه اعتصاب کرده و از حضور بر سر کار خودداری ورزیدند. مسئولین در وحشت از توقف تولیدات نظامی کارخانه در مقابل کارگران عقب نشستند.

تظاهرات در شیراز

اوایل آذرماه سال جاری حدود هزار نفر از اهالی زحمتکش شیراز در اعتراض به عدم توزیع نفت در مقابل استانداری این شهر دست به تظاهرات زدند.

اکنون مدت زیادی است که توزیع نفت و سایر مواد سوختی در اکثر نقاط کشور به شدت نابسامان شده و مردم برای تهیه چند لیتر نفت ناچار به تحمل روزها انتظار و پرداخت پول فراوان هستند. اخیراً در پی بمباران پالایشگاه‌های کشور توسط رژیم عراق وضعیت توزیع نفت از سابق نیز بدتر شده است.

در شیراز طی ماه‌های آبان و آذر فقط ۲۰ لیتر نفت به صورت کوبنی به مردم تحویل دادند. تظاهرات آذرماه در اعتراض به همین وضع صورت گرفت. صدها نفر از اهالی شهر وقتی پس از روزها انتظار دیدند که مسئولین حاضر به افزایش سهمیه سوخت آنان نیستند، دسته‌جمعی برای دریافت نفت و ابراز اعتراض به طرف استانداری شهر بد راه افتادند. در مقابل استانداری مأمورین از ورود آنان به داخل مانع کردند اما مردم خشمگین، مأمورین را کنار زده و پس از ورود به داخل ساختمان خواهان ملاقات با استاندار شدند. آنان فریاد می‌زدند که مای خواجهیم بدانیم استاندار شهر با ۲۰ لیتر نفت چگونه دو ماه منزلت را گرم نگه می‌دارد.

استاندار و اطرفیانش علیرغم عدم تمایل خود ناچار به حضور در جمع اجتماع کنندگان شدند. مردم به وی و سایر مسئولین حاضر اعلام کردند چنانچه سریعاً نفت کافی به آنان داده نشود، تمام تانکرهای حامل نفت، گاز و... را در خیابانها و کوچه‌های شهر به آتش خواهند کشید. استاندار در غراس از تهدید

مردم و آشفته شدن شهر به آنان قول داد موضوع را برای اتخاذ تصمیم، در جلسه‌ای با امام جمعه طرح کند.

تظاهرات ضد رژیم در ابرانشهر

مردم ابرانشهر در روز ۱۵ آذر علیه رژیم دست به تظاهرات زدند. در این تظاهرات مردم شعار مرگ بر خمینی و رژیم جمهوری اسلامی سردادند. تظاهرات از حرکت دسته جمعی چندصد نفر از دانش آموزان این شهر آغاز شد. با پیوستن اقشار دیگری از مردم، تظاهر کنندگان جمع کثیری را تشکیل دادند. بسیاری از مغازه‌ها بسته شد و ادارات بحالت نیمه تعطیل در آمد. مأمورین سرکوب رژیم از گستردگی تظاهرات بشدت دچار سراسیمگی گشتند. به دنبال یورش پاسداران به صفوف تظاهر کنندگان، گروهی از مردم ابرانشهر توسط عوامل رژیم دستگیر شدند.

هدا اقل هنر بنده زندگی

روز سه شنبه چهارم آذرماه در محل وزارت کار، گردهمایی شوراها و اسلامی، با حضور وزیر کار پیرامون بررسی دستمزد کارگران برگزار گردید. در گردهمایی، افرادی از کارخانه‌های جاده مخصوص کرج نیز شرکت کرده بودند. در این اجلاس در بحث پیرامون سطح هزینه‌ها طرح شد که طبق برآورد کارگران، یک خانواده چهار نفره روزانه به دوهزار و صد ریال پول جهت تامین حداقل مایحتاج زندگی نیاز دارد.

وزیر کار به هنگام صحبت پیرامون لایحه جدید قانون کار اعلام کرد که نباید نظر کارگران را در لایحه قانون کار دخالت داد.

درگیری روستائیان ساری با پاسداران

اواسط مرداد ماه در روستای "لاردا" از توابع ساری درگیری شدیدی میان اهالی روستا با اعضای انجمن اسلامی آن که "سپاهی" و "سیجی" هستند رخ داد. علت درگیری، اعتراض و مخالفت روستائیان به اعمال انجمن مبنی بر شناسایی و معرفی جوانان مشمول فراری و زورگویی‌های اعضای آن بود.

این درگیری حدود ۲۴ ساعت به طول انجامید و سپس سپاه و کمیته در حمایت از انجمن اسلامی وارد روستا شدند و به سرکوب و ضرب و شتم روستائیان پرداختند. سپاه برای جلوگیری از ادامه اعتراضات روستائیان روستا را به محاصره درآورده و ورود و خروج اهالی را زیر نظر گرفت. در این میان چندتن توانستند از محاصره سپاه گریخته، خود را به ژاندارمری محل برسانند. ژاندارمری برای رسیدگی به موضوع اکیپی را به روستا اعزام کرد. اکیب اعزامی ژاندارمری علاوه بر دستگیری ۸ نفر از اعضای انجمن اسلامی عده‌ای از روستائیان را نیز دستگیر کرده و با خود برد. روستائیان در اعتراض به دستگیری جوانانشان توسط ژاندارم‌ها، با زن و بچه به شهر رفته و در مقابل استانداری اجتماع کردند. عدم موافقت استاندار برای ملاقات با اجتماع کنندگان و رسیدگی به موضوع آنان موجب شد آنها در همان محل دست به تظاهرات بزنند. پایورش مأمورین از ادامه تظاهرات جلوگیری شده و وعده‌ای دستگیر شدند.



صویری از یکی روستایی، با سیمایی افتاب سوخته. هر خط چهره اش حکایت از تحمل رنجی طاقت فرسا و استخوانسوز دارد. تنش اگر چه زیر بار ظلم شاه و شیخ کوفته اما در چشمانش شوق زندگی موج می‌زند.

«حفظ وضعیت موجود» محور اصلی بودجه سال ۶۶

لایحه بودجه سال ۶۶ کل کشور که در تاریخ سوم دیماه به تصویب هیات وزیران جمهوری اسلامی رسیده بود، روز هفتم دیماه توسط میرحسین موسوی نخست وزیر به مجلس شورای اسلامی ارائه شد. موسوی طی یک گفتگوی رادیو تلویزیونی مختصات بودجه سال آتی را تشریح کرد. وی درباره بودجه سال ۶۵ بمطابق تجربه بودجه سال آتی اظهار داشت: "سال ۶۵، سال خاصی است که با توجه به شکست قیمت نفت و مشکلات ارزی و مالی، می توان حدس زد که تا چه اندازه ما به این تجربیات تکیه داشتیم. در یک کلمه، لایحه بودجه، یک بودجه انقباضی است که در برنامه نوین اقتصادی کشور پیش بینی شده است."

موسوی در سخنان خود در برابر مجلس شورای اسلامی تاکید کرد که در بودجه سال آتی نیز جنگ محور اصلی را تشکیل می دهد. وی خاطر نشان ساخت که دولت جمهوری اسلامی در سال آتی بیش از سال ۶۵ به امر جنگ خواهد پرداخت. وی فاش ساخت: "در شرایطی که ما کمترین درآمد ارزی در طول ۱۲ سال گذشته را داشته ایم، دولت بیشترین ارز و ریال را نسبت به سالهای قبل، برای ادامه مقاومت و دفاع مقدس پرداخت نموده است."

موسوی درباره مختصات آماري لایحه بودجه سال ۶۶، پیشاپیش از نمایندگان خواست که به ارقام توجه نکنند. وی گفت: "امسال طبیعی است که مجلس محترم از دولت شاخص های کناسیکی که هر سال به هنگام تقدیم لایحه بودجه ارائه می شود رابه عنوان کارنامه خدمتگزاری مردم نطلبند. موفقیتهایی که نظام جمهوری اسلامی در سال ۶۵ بدست آورده است بزرگتر از آنست که در جوف چند رقم بکنجد یا باچند نمودار بیان شود."

از سوی دیگر زنجانی وزیر برنامه و بودجه در گفتگویی با کیهان ۹ دیماه، شامی کلی از بودجه سال ۶۶ ارائه کرد: "بر اساس این تجربه (تجربه سال ۶۵) ما برای سال ۱۳۶۶ سعی کردیم با توجه به روند واقعی درآمدهایی که برای نفت و درآمدهای مالیاتی پیش بینی می شود بودجه را تنظیم کنیم، لذا یکی از ویژگی های بودجه سال ۶۶ واقع گرایی

این بودجه است. البته این بودجه، بودجه مناسب این شرایط است ولی بودجه مطلوبی نیست. به عبارتی بودجه های جاری و عمرانی ما برای حفظ وضع موجود تنظیم شده نه برای شرایط توسعه اقتصادی کشور."

موسوی نخست وزیر در گزارش خود به مجلس شورای اسلامی اعلام کرد که در بودجه سال ۶۵، علیرغم نتکناهای ارزی و مالی، "مبلغ ۶۲۰ میلیارد ریال نیز صرفه جوئی شده است."

نخست وزیر جمهوری اسلامی بیان کرد که بدنبال کاهش درآمدهای حاصله از صدور و فروش نفت، رژیم سیاست افزایش درآمدهای مالیاتی را دنبال می کند. وی خاطر نشان ساخت که درآمدهای مالیاتی نسبت به کل درآمد دولت از ۱۹ درصد در سال ۵۶ به ۲۸/۴ درصد در سال ۶۴ افزایش یافته است. موسوی افزود که "در ۹ ماه اول سال جاری سهم مالیات در درآمدها به ۶۰ درصد بالغ شده است."

نخست وزیر رژیم با اعلام این افزایش سهم درآمدهای مالیاتی در کل درآمد دولت، خاطر نشان ساخت که رژیم در سال آتی نیز بر سیاست افزایش درآمد مالیاتی تاکید خواهد کرد.

موسوی در گزارش خود به مجلس فاش ساخت که در سال گذشته "چراغ سبزهائی" برای اخذ وام خارجی در کار بوده است. وی گفت: "در بحبوحه مشکلات ارزی کشور ما شاهد برخی چراغ سبزها برای دریافت وام خارجی بودیم." اما مدعی شد که جمهوری اسلامی از پذیرش استقراض خارجی امتناع ورزیده است.

موسوی محور دیگر لایحه بودجه سال ۶۶ را کاهش شدید هزینه های جاری اعلام کرد و عنوان نمود که سیاست اعمال "صرفه جوئی اکید" همچون بودجه سال ۶۵ ناظر بر همه طرحها و پروژه های دولت خواهد بود. همانگونه که پیش از این نیز اعلام شد، لایحه بودجه سال ۶۶ برای مدتی در کمیسیون برنامه و بودجه مجلس شورای اسلامی مورد بحث قرار خواهد گرفت و پس از آن به مجلس ارائه خواهد شد.

بهراد نبوی: شرایط نوین اقتصادی یعنی بی ارزی

نسبت به کل درآمد ارزی بیش از ۲/۵ درصد نیست.

یکی دیگر از سخنرانان سمینار "تبیین برنامه نوین اقتصادی دولت" ایرانی و وزیر امور اقتصادی و دارائی بود. وی اعلام کرد که دولت جمهوری اسلامی قادر به تامین ارز مورد نیاز صنایع کشور نمی باشد. وی در این رابطه اظهار داشت: "ارز بخشهای حیاتی صنعت مثل فولاد مبارکه و سایر طرحهای اساسی توسط دولت تامین می شود. ولی سایر بخشها می توانند با استفاده از ارز صادراتی، ارز استحصالی کارگران ایرانی شاغل در خلیج فارس، ارزهای سرگردان ویا روش "بای بک" ارز مورد نیاز خود را تامین کنند."

از سوی دیگر بر اساس گزارش وزارت صنایع طی سه ماهه دوم سال ۶۵، "با ایجاد ۶۳۲ واحد تولیدی - صنعتی با سرمایه گذاری (۲۷ میلیارد ریال موافقت شده است." در گزارش وزارت صنایع سنگین که در کیهان ۸ دیماه بازتاب یافته است اعلام شده است که دولت از ۲۵۹ فقره از موافقتهای اصولی واحدهای ارز بر تنها ارز ۱۲ واحد را تامین خواهد کرد و نیاز ارزی سایر واحدها توسط خود متقاضی تامین خواهد شد.

بدین ترتیب تامین ارز به روش "بای بک" که همان طرح اجاره صنایع کشور به کشورهای خارجی است، در سال آتی به یکی از روش های اصلی تامین ارز و تامین مواد اولیه مورد نیاز صنایع بدل خواهد شد. همانگونه که در شماره قبل نشریه اکثریت نیز خاطر نشان کردید، دولت جمهوری اسلامی برای اجرای طرح "بای بک" اقدام به تاسیس یک صندوق مالی مربوط به صادرات غیرنفتی نموده است.

اطلاعات ۱۰ دیماه - بهزاد نبوی وزیر صنایع سنگین جمهوری اسلامی در سمینار تبیین برنامه نوین اقتصادی دولت، تصویری از وضعیت ارزی کشور ارائه کرد. وی اظهار داشت: "شرایط نوین اقتصادی، یعنی بی ارزی". وی در توضیح این سخن عنوان نمود: "در این شرایط جامعه به لحاظ درآمدهای ارزی دچار مضیقه و تنگنا شده است. می دانید که این شرایط پس از سقوط ناگهانی بهای نفت از حدود ۲۸ دلار رسی به حدود ۵-۶ دلار، شروع شد."

وزیر صنایع سنگین جمهوری اسلامی مطرح ساخت که کاهش درآمد ارزی تنها به کاهش بهای نفت مربوط نمی شود، بلکه "فشار بیش از پیش صدام به مناطق و مراکز اقتصادی ماکه با قصد جلوگیری از تولید و صدور نفت انجام شد" و همچنین "کاهش شدید ارزش برابری دلار نسبت به سایر ارزهای دنیا" نیز در این "مضیقه ارزی" موثر بوده اند. وی افزود: "بهای دلار در عرض ۶ ماه حدود ۳۰ تا ۴۰ درصد نسبت به سایر ارزها افت داشته است." وی خاطر نشان ساخت که بهای برخی از کالاها وارداتی جمهوری اسلامی (بعلت کاهش شدید ارزش برابری دلار) بشدت افزایش یافته است.

نبوی هم چنین گفت: "ما یک معده و حجم خاصی برای هزینه کردن ۲۲ میلیارد دلار ارز داشتیم... اما حالا یک معده چند میلیارد دلاری داریم که یک چهل آن را صادرات غیرنفتی تشکیل می دهد."

علیرغم تبلیغات گسترده رژیم حول صادرات غیرنفتی، وزیر صنایع سنگین فاش ساخت که میزان درآمد ارزی حاصله از صادرات غیرنفتی

کمدهای مالی رسیده

۲۰ مارک	بهنام زماينز - آلمان فدرال
۲۰ دلار	الف - ح - آمریکا
۷۰۰۰ لیر	ازپادوا - ایتالیا
۵۰۰ لیر	از فرارا - ایتالیا
۳۰۰۰ کرون	"معلم" از کینهاک - دانمارک
۱۰۰۰ کرون	سهند از کینهاک
۲۰۰۰ کرون	فراز از کینهاک
۵۰۰ کرون	ازا - متسوئد
۵۵۰ مارک	درآمد حاصله از جشنی در شهر الدنبروک آلمان فدرال

پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!

اجباری شد. خمینی در این زمینه فتوای ویژه‌ای صادر کرد. دولت در سال جاری مدام بخشنامه‌های تازه‌ای انتشار داده است که مضمون همه آنها چنین است: همه چیز را در خدمت جنگ قرار دهید. بر اساس این بخشنامه‌ها شرکت دست کم ۲۰ درصد از کارکنان واحدهای تولیدی و اداری در جنگ اجباری شد. انواع حمله و شهید و تهدید و اجبار به کار بسته شد تا دانش آموزان و دانشجویان درس و مشق را رها کرده و ژآ بردوش گیرند.

در خردادماه، رفسنجانی بعنوان سخنگوی شورای عالی دفاع اعلام کرد: "از ماه گذشته جذب نیروهای نظام وظیفه خود را بیش از دو برابر کردیم. بعلاوه شورای عالی دفاع تضویب کرد سربازهایی که الان خدمت می‌کنند، دو ماه بر خدمتشان افزوده شود و در جبهه بمانند." رفسنجانی در همان هنگام تاکید کرد: "به مراکز دولتی و نهادها دستور داده شده ... که همه امکاناتشان را در خدمت تجهیز این گردانهای جدید که مرحله اول کارماست ... قرار دهند و هر امکانی را که می‌توان از کارمندی خود و ولو با تعطیل کردن مرخصی کار از قبیل امکانات انسانی، مالی و تدارکاتی، ترابری و فنی، علمی و هنری و هر چه که به درد جبهه می‌خورد در اختیار این حرکت جدید قرار بدهند." فرمانده سپاه پاسداران نیز آن هنگام در ادامه حرفهای رفسنجانی تاکید کرد کارخانه‌ها باید فقط کارشان تولید نارنجک و خمپاره و تجهیزات فنی لازم برای جنگ باشد. در این زمینه نخست وزیر چنین گفت: "امروز اقتصاد کشور بطور کامل در خدمت جنگ و متاثر از جنگ است." همه این گونه اظهارات مفهوم "جنگ تمام عیار" را معنی می‌کنند.

این که تاکید این گونه بر روی جنگ تام، شاخص مرحله تازه‌ای در جنگ است، مورد اذعان خود رهبران رژیم نیز هست. رفسنجانی در همان زمانی که اظهارات بالا را بر زبان راند، مشخصاً گفت: "با این حساب ما وارد مرحله جدیدی شدیم که به نظر رسید باید نیروهای زیادی از مردم را تجهیز کنیم."

آمریکای جنگ تمام عیار

جنگ تمام عیار با نارنجک و خمپاره و دانش آموز بیسجی میسر نیست. جنگ تمام عیار، زرادخانه‌ای تمام عیار می‌خواهد. در اینجاست که کوشش‌های رژیم به امپریالیسم آمریکا و امپریالیستهای اروپایی بیشتر و

ست گیری شده بود. در ۱۵ آذرماه سال گذشته، در حالی که "یکی دوضربه عمیق نظامی" و تاکتیک "شبیخون" و عملیات محدود" بی‌شماری خود را آشکار ساخته بودند، رفسنجانی - کوبلز جمهوری اسلامی - در خطبه نماز جمعه تهران، فریاد برداشت که "بتداریم جنگ همیشه در جامعه باشد... اگر جنگ بیست سال هم طول بکشد... ری در همانجا تاکید کرد: "از شالی‌ترین جبهه‌ها تا جنوبی‌ترین

حمله والفجر ۸ به سرآمد. حمله‌ای که بازگشت به دوره "ضربات عمیق نظامی" بود. والفجر ۹ و کربلاهای (۱) و آ و آ در ادامه این حمله صورت گرفت. اما "ضربات عمیق نظامی" که قبلاً امتحان خود را پس داده بودند. سرنوشت جنگ با این نوع حملات تعیین نشده و نمی‌شود. در مناطق جنگی جمهوری اسلامی این نکته روشن بود. از همین رو ضمن تداوم این تاکتیک، نکته دیگری کشیده شد.

جنگ تمام عیار



جنگ تمام عیار

همه چیز در خدمت جنگ

اصطلاح "جنگ تام" و یا "تمام عیار" از آن کوبلز مسؤل تبلیغات دستگاه جینی هینلر است. در مرحله بعد از نبرد استالینگراد، آن هنگام که شکست آلمان مینلری وضوح کاملی یافت، فاشیست‌ها بر جنگ تمام عیار بای فشردهند. کوبلز اعلام کرد که آلمان باید تمام هست و نیست خود را در خدمت جنگ بتدارد. او گفت: ما باید به یک جنگ تام مبادرت ورزیم.

جمهوری اسلامی عواره بر جنگ تمام عیار تاکید داشته است. خمینی وقتی که می‌گوید "جنگ در راه امری است" به نوعی حرف رژیم هینلر را تکرار می‌کند. اما مرحله جنگ تام عیار در مفهوم مشخص این اصطلاح با پیام سال نوی خمینی در آغاز اسال آغاز شد. بیش از این نیز در این جهت

کربلاهای ۴ و ۵ آیا در ادامه ۲ کربلاهای پیشین است؟ کدهای جنگی می‌خواهند چنین تصویری را القا کنند، اما مرحله فعلی جنگ با فازی که سه کربلای نخست در آن به وقوع پیوست، تفاوت مهمی دارد و همین امر است که دو کربلای اخیر را از حملات پیشین جمهوری اسلامی متمایز می‌سازد. این تمایز در کجاست؟ برای پاسخ گفتن به این سؤال لازم است به عقب برگردیم.

در بهمن ماه سال گذشته، جمهوری اسلامی در طی حمله بی‌سروصدایی که به آن والفجر ۸ نام نهاده بود، بندر عراقی فار را تصرف کرد. ما در آن هنگام "الفجر ۸" را چنین توصیف کردیم: پایان یک شکست، آغاز یک شکست. والفجر ۸ بازگشت به تاکتیک بود که رفسنجانی در مصاحبه با روزنامه اطلاعات اول مهرماه ۶۲ آنرا تاکتیک "یکی دوضربه عمیق نظامی" نام نهاده بود. شکست عملیات بدر، که در آن ۱۵۰۰ سرباز ایرانی کشته شد، بطور موقت بر این تاکتیک نقطه پایانی نهاد. از اواخر خرداد ماه سال گذشته، پس از پایان دور دوم جنگ شهرها، رژیم به تاکتیک تازه‌ای رو آورد: "شبیخون" و "عملیات نفوذی محدود". عملیاتی همچون قدس، ظفر، یا امام موسی جعفر و عاشورا که در چارچوب این طرح تازه جنگی صورت گرفت، به لحاظ نظامی بی اهمیت بودند و تنها مصرف تبلیغاتی داشتند. در طی هفت ماهی که جمهوری اسلامی از یکسو سرگرم تدارک دیدن برای حمله‌های وسیعتر و از سوی دیگر تبلیغ حول شبیخونهای خود بود، عراق نیروی هوایی خود را بر روی خلیج فارس متمرکز ساخت و بی‌وقفه حارک را در هم کوبید. این مرحله در جنگی که مشخص آن کشتارهای بزرگ چندین هزار نفره است، تنها می‌توانست موقتی و تدارکاتی باشد. ما در آن هنگام در توصیف حالت گذرای این مرحله چنین نوشتیم: "دو رژیم جنایتکار خمینی و صدام، بعد از یک دوره تدارک و حملات جانبی، اینک برای یک کشتار وسیع، ابزار آمادگی می‌کنند. منطق این جنگ بوج و بی سرانجام نیز، جز این نمی‌طلبد. جنگی که ده‌هزار، ده‌هزار به خاک و خون کشیده است، نمی‌تواند در قالب "عملیات محدود" از این سو - حملات هوایی به هدفهای بزرگ دریایی" از آن سو محدود بماند." (اکثریت - شماره ۸۲)

مرحله "عملیات محدود" بالاخره در ۲۰ بهمن سال گذشته، با

کربلای ۵ تعداد

بقیه از صفحه اول

است، جنایت مطلق و اگر سفاقت باشد، سفاقت آگاهانه‌ای است. زنده آورده‌اند که کشته برگردانند و آگاهانه همه را به کشتن می‌دهند.

پس از شروع عملیات کربلای ۵، رادیوی جمهوری اسلامی تبلیغات جنگی خود را تشدید کرد. عاوش می‌نوازند و از کشتن سخن می‌گویند. می‌خواهند شکستهای بزرگ را در زورق دروغهای بزرگ ببینانند. در رادیوی خود تا بعد از ظهر یکشنبه ۲۵ هوایمای عراقی را سرتگون کرده و چندین تیپ و گردان را از بین برده‌اند. می‌گویند: تا کتون، از زمان شروع حمله کربلای ۵... ۱۴ سرباز عراقی را کشته و مجروح کرده‌ایم. رادیوی بغداد در مقابل از تارو مار کردن ۴ هکت از سربازان ایرانی سخن می‌گوید.

تلویزیون بغداد در برنامه‌های خبری خود مرتب بخشهایی از کانون حمله اخیر را نشان می‌دهد، همه جا از کشته پشته شده است.

جنگ شهرها

خطر از سر گرفتن جنگ شهرها به شکل تمام عیار جدی است. جمهوری اسلامی مدام بصره را زیر آتش گرفته است و هوایمهای عراقی بر فراز شهرهای ایران به پرواز درآمده‌اند. در شب شنبه، یک روز پس از شروع حمله کربلای ۵، شهرهای قم، اسفهان و دزفول توسط هوایمهای عراقی بمباران شده‌اند. در همین شب در حالیکه رادیوی رژیم در حال پخش اخبار "فتوحات" بود، آژیر قرمز که خبر از حمله هوایی به تهران می‌داد، به صدا درآمد و خواندن "فتوحات" ناتمام ماند. در طی حملات موشکی به



برای جنگ تمام عیار، مردان کفایت نمی‌کنند. در اینجا رهبران رژیم برای سوختن در تنور جنگ، برای زنان نیز "حق" قایلند

لازم برای جنگ تمام عیار فراهم می‌شود.

انکار و انهای کربلای

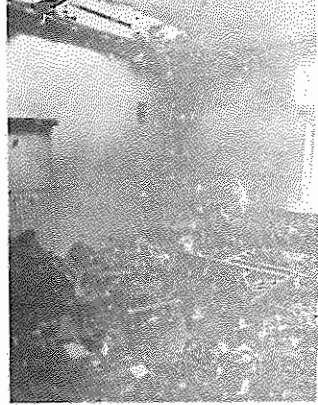
تاسپاه محمد

در ابتدا دم به دم کاروانهای کربلا را راهی جبهه‌ها کردند. خودشان گفتند دست کم یک میلیون نفر باید در جبهه‌ها منتظر مرگ باشند. بر فشارها افزودند. در تهران و شهرستانها حتی حالت حکومت نظامی آشکار برقرار کردند تا جوانان بیشتری را دستگیر کرده و راهی جبهه‌ها سازند. کاروانها را به لشکر تبدیل کردند و لشکر را به سپاه، به سپاه محمد، به سپاه مهدی. در این فاصله جنگ، متوقف نبود. مثل همیشه جریان داشت: والفجر ۹، کربلای ۱، کربلای ۲، کربلای ۳... حمله عراق به این شهر و بقیه در صفحه ۱۲

بیشتر می‌شود. و بر همین اساس روابطی که از قبل وجود داشت، تحکیم شد و تا جایی پیش رفت که مک فارلین و همراهمان با هوایمهایی مملو از سلاح وارد تهران شدند. در سال جاری کار دلان سلاح که در رابطه با رژیم خمینی کار می‌کنند، رونق بی‌سابقه‌ای داشته است. اما آنها تنها وارد کننده سلاح به تهران نبوده‌اند. آمریکا و اسرائیل مستقیماً نیز سلاحهای لازم برای جنگ تمام عیار را فراهم کرده‌اند. در این زمینه اکنون بسیاری از اسرار مگو بر ملا شده و جایی برای انکار از دو سو باقی نمانده است. دیگر همه می‌دانند که خط‌موازی انبارهای پنتاگون - فرودگاه‌های اروپایی - فرودگاه قلعه مرغی تهران و نیز خلدریایی بندر اسرائیلی ایلات - بندرعباس تا چه حد پررفت و آمد است. از این دوازه است که سلاحهای

شهرهای نیازند و سونکرده دهها نفر کشته و صدها نفر مجروح گردیده‌اند. در روز شنبه، ستاد تبلیغات جنگ اعلام کرد که جمهوری اسلامی همه شهرهای عراق، بجز شهرهای مذهبی نجف، سامرا، کربلا و کاظمین را مورد حمله هوایی قرار خواهد داد.

بعد از ظهر روز یکشنبه رادیوی جمهوری اسلامی خبر داد که در همین روز یک موشک زمین به زمین به سوی بغداد و سه موشک زمین به زمین به سوی بصره پرتاب شد.



جنگ ادامه دارد

این روند متوقف نمی‌شود. از زمان فرمان خمینی در آغاز سال جدید مدام سیخ کرده‌اند تا به کشتن دهند. کاروان‌های کربلا، سپاه محمد و عده‌های بزرگ، در خور تبلیغات بزرگ است. ۲۵۰۰۰ کشته عملیات کربلای ۴ کافی نیست، در عملیات کربلای ۵ بر آن افزوده و این عدد را مضاعف ساخته‌اند. بازهم می‌افزایند. و تنها بر دروغهای خود نمی‌افزایند، تنها بر تعداد کشته‌ها نمی‌افزایند، بر نفرت عظیم خلق نیز می‌افزایند. چشم بزرگ خلق قاضی دادگامی است که بر همه این جنایتکاریها رسیدگی خواهد کرد.



انباران ایرانی حمله کربلای ۴

به جنگ پایان دهید!

بدنبال آغاز عملیات کربلای ۴، دولت شوروی با انتشار بیانیه‌ای، مجدداً خوانمان قطب جنگ ایران و عراق شد. در بیانیه دولت اتحاد شوروی آمده است:

"در جریان این جنگ، عملیاتی غیر انسانی، از جمله به شکل به کار بردن سلاحهای شیمیایی، وارد ساختن ضربات به هدفهای غیر نظامی و نقاط مسکونی که آماج نظامی ندارند، انجام می‌گیرد. در این بیانیه، پس از تأکید مبرم بر ضرورت صلح بین دو کشور، تأکید گردیده است: "اتحاد شوروی آماده است در هر گونه مساعی شرافتمندانه و سازنده، به منظور متوقف کردن جنگ ایران و عراق، شرکت جوید."

خوابیر پرزد و کوفتیار، دبیر کل سازمان ملل متحد، تداوم جنگ ایران و عراق را محکوم کرد. پرزد و کوفتیار ضمن انتشار بیانیه‌ای در روز سه شنبه هفته گذشته از دو کشور ایران و عراق خواست که به این جنگ بی‌معنی خاتمه دهند. در بیانیه دبیر کل سازمان ملل از جمهوری اسلامی بخاطر اصرار در تداوم جنگ، صریحاً انتقاد گردیده است. دو کوفتیار عراق را نیز به خاطر استفاده از سلاحهای شیمیایی مورد انتقاد قرار داده است.

همبستگی جهانی با زندانیان سیاسی ایران

ایتالیای آمده است: "پدنیال اخبار تکران کننده مبنی بر تشدید شکنجه زندانیان سیاسی در ایران، حمایت خود را از اعتصاب غذای زندانیان سیاسی زندان اوین اعلام می‌کنیم و آزادی فوری و احترام به حقوق انسانی آنان را که پایمال شده است، خواهانیم."

* "هانس گونتر شرام" عضو فراکسیون حزب سبزها در پارلمان ایالتی بایرن - آلمان فدرال در پیامی خطاب به فداییان خلق در آلمان فدرال نوشت:

دوستان گرامی! با کمال تأسف گزارش شما در باره رویدادهای زندانیان سیاسی اوین و قزل حصار و در باره شدت گرفتن بیشتر دولتی را خواندم. من ... در دفاع از حقوق زندانیان سیاسی و مقاوم ایران، نامه پشتیبانی خود از آنها را به سفارت کشورتان فرستادم.

بازرودهای صلح و همبستگی

هانس گونتر شرام در این نامه اعتراضی خواهان آزادی اسیران شکنجه‌گامهای اوین و قزل حصار شده است.

اعتصاب غذای زندانیان سیاسی زندان اوین که در جهان بازتاب وسیعی یافت، موجی از همبستگی نیروهای پیشرو و دمکرات کشورهای مختلف با این آزادگان اسیر در زندان‌های رژیم پلید خمینی را برانگیخت. در زیر توجه خوانندگان را به چند خبر در این زمینه جلب می‌کنیم:

* بریتل موبرنیک، مسئول گروه پارلمانی حزب کمونیست های چپ سوئد در تاریخ ۲۵ آذر ماه طی تلگرامی خطاب به خمینی نوشت:

"با کمال تأسف و نگرانی از وضع زندانیان سیاسی در زندان اوین و اینکه خانواده‌هایشان اجازه ملاقات با آنها را ندارند، مطلع شدیم. این اعمال غیر قابل قبول است. ما خواستار آن هستیم که: زندانیان سیاسی آزاد شوند. تا وقتی که این امر متحقق نشده است خواستار آنیم که حقوق بشر و آزادی‌های فردی تأمین شود."

* از سوی حزب کمونیست ایتالیا و سندیکای کارگری در منطقه بازیل کلاسه، تلگرام‌های مشابهی به سفارت ایران در رم مخابره شد. در تلگرام حزب کمونیست

تظاهرات ایستاده در آلمان فدرال در حمایت از

زندان‌های سیاسی ایران

زندان‌های سیاسی میهنمان، به افشای جنایات رژیم خمینی در شکنجه‌گاهها پرداخته و رهگذران را در جریان آخرین تحولات سیاسی ایران قرار دادند.

این تظاهرات علیرغم سردی هوا و ریزش برف با استقبال بسیاری از مردم روبرو شد. آنها ضمن اعلام پشتیبانی از خواستهای برحق زندانیان سیاسی ایران، ددمنشی‌های رژیم تبهکار خمینی را محکوم کردند.



اعتصاب غذای زندانیان قهرمان شکنجه‌گاه اوین و در دست داشتن پلاکاردهایی، حاوی شعارهایی چون: "زندانی سیاسی آزاد باید گردد"، "مرگ بر خمینی، زنده باد آزادی" سیاست‌های جنایتکارانه رژیم خمینی را محکوم کردند.

در روز ۲۹ آذر (۲۰ دسامبر) به منظور حمایت از زندانیان سیاسی ایران و جلب توجه افکار عمومی به رفتار وحشیانه زندانبانان رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی با این فرزندان دلیر خلق، تظاهرات ایستاده‌ای با شرکت فداییان خلق و عده‌ای از پناهندگان ایرانی ساکن شهر فیلسبیورگ واقع در ایالت بایرن آلمان فدرال برگزار شد. تظاهرکنندگان ضمن توزیع اعلامیه‌هایی در باره اعتصاب اخیر

روز شنبه ۲۰ دسامبر، در شهر زاربروک مرکز ایالت زارلند آلمان فدرال تظاهرات ایستاده‌ای در دفاع از زندانیان سیاسی ایران برگزار شد که پنج ساعت بطول انجامید. تظاهرکنندگان با پخش هزاران نسخه اطلاعیه سازمان در مورد

اتریش: اعتصاب غذا در همبستگی با زندانیان سیاسی ایران

گذاشت، با حمایت همه جانبه کمونیست‌ها و دیگر نیروهای مترقی اتریش مواجه گردید.

حزب کمونیست اتریش با اعزام رفیق "کارگر" عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست اتریش به محل اعتصاب و ارسال پیام همبستگی که توسط ایشان قرائت گردید، حمایت کمونیست‌های این کشور را از خواست‌های اعتصابیون اعلام داشت.

در این پیام رفتار ضد انسانی عمال جمهوری اسلامی در زندانها محکوم گردیده و برای مردم ایران در مبارزه علیه رژیم مرتجع خمینی آرزوی پیروزی شده است.

همچنین روزنامه فولکن اشتیمه ارگان حزب کمونیست اتریش ضمن چاپ عکسی از اعتصابیون، به درج گزارشی در این باره پرداخت.

آزادزنانی که در زنجیرند و در برابر شدیدترین شکنجه‌های دژ خیمان حکومت پلید خمینی از آرمانهای شریف، انسانی و عدالت‌خواهانه خود دفاع می‌کنند، بیان داشتند.

در محل اعتصاب که در آن شعارهایی در پشتیبانی از زندانیان سیاسی و محکومیت تبهکاریهای ارتجاع حاکم به چشم می‌خورد، بازدیدکنندگان با امضای متنی در همبستگی با فرزندان در بند خلق ایران بر حمایت خویش از خواستهای اعتصابیون تأکید ورزیدند.

این حرکت که نمونه دیگری از حساسیت انقلابی مبارزین خارج کشور را نسبت به رویدادهای جنبش انقلابی مردم ایران و پیوند ژرف اینان را با مبارزین داخل کشور که در میان آتش و خون، درفش صلح و آزادی را برپا می‌دارند، به نمایش

و ظایف ملی و انقلابی خویش، همبستگی خود با فرزندان مبارز خلق که در سیامچال‌های رژیم اسیرند را به نمایش گذاشتند. آنها با دست زدن به این حرکت، کوشش خود را در جهت جلب همبستگی بین‌المللی گسترده‌تر با زندانیان سیاسی ایران و آشنا ساختن مردم جهان با دستگیریهای بلاوقفه و گسترده نیروهای مبارز، به کار گرفتند. طی مدت اعتصاب صدها نفر با مراجعه به اعتصاب‌کنندگان نگرانی عمیق خود را درباره سرنوشت دهها هزار رزمنده‌ای که در سیامچال‌های رژیم خمینی خطر مرگ جانیشان را تهدید می‌کند، ابراز نمودند.

بسیاری از ایرانیان مقیم وین نیز ضمن ابراز همدردی با خانواده‌های زندانیان سیاسی، حمایت عمیق خود را از آزادمردان و

در راستای گسترش کارزار جهانی دفاع از زندانیان سیاسی ایران و در اعتراض به تشدید پیگرد، دستگیری، شکنجه و اعدام انقلابیون میهنمان، روز ۲۲ دسامبر هواداران سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) و هواداران حزب توده ایران در اتریش دست به اعتصاب غذا زدند. پیش از این خبر اعتصاب غذای زندانیان سیاسی ایران و خبر برگزاری اعتصاب در وین در همبستگی با زندانیان سیاسی طی اطلاعیه‌هایی به زبان‌های فارسی و آلمانی به اطلاع مردم اتریش و ایرانیان مقیم این کشور رسانده شد.

محل برگزاری این اعتصاب، خیابانی در مرکز شهر وین بود. اعتصاب‌کنندگان با دست زدن به این حرکت موثر در جهت انجام

فرانسه: این است قدرت کارگران!

بقیه از صفحه آخر

سیاست بخشودگیهای مالیاتی دولت شیراک در قبال ثروتمندان و صاحبان صنایع و تقابل آن با ضرورت افزایش حقوق و دستمزد زحمتکشان بود. دولت شیراک بیش از پیش به کاربرد قهر علیه اعتصابیون متوسل می‌گردد. چهارشنبه گذشته ۴ هزار تن دیگر از افراد پلیس برای مقابله با اقدامات اعتراضی کارگران راه آهن به حال آماده باش درآمدند. سه شنبه هفته گذشته کارکنان پست و کشتی‌سازی‌های نیروی دریایی فرانسه و در مقیاس محدودتری کارگران اتومبیل‌سازی رنو نیز به دعوت ت.ژ.ت دست به اعتصاب زدند. فراخوان ت.ژ.ت. برای تظاهرات در پاریس با استقبال

نزدیک به ۴۰ هزارتن از کارکنان بخش دولتی روبرو گردید. نتیجه اعتصاب کارگران فرانسه هر چه که باشد، این موج اعتصاب بی‌تردید چهره سیاسی فرانسه را تغییر داده است. طبقه کارگر با این اقدامات خود نشان داد اعلامی تئوریسین‌ها و ایدئولوگ‌های بورژوازی مبنی بر "زوال قدرت پرولتاریا" تا چه حد پوچ و بی‌پایه است. کارگران فرانسه نشان داده‌اند هر وقت اراده کنند، می‌توانند همه چرخها را از حرکت باز دارند. چرخ‌های ارابه "فرم"های شیراک به سود سرمایه و انحصارات نیز از این قاعده کلی مستثنی نیست. دولت شیراک ۱۰ ماه پیش با برنامه‌ای عریض و طویل برای خصوصی کردن

میدان آمد. اینک طبقه کارگر فرانسه با اعتصابهای خود به مقابله با این برنامه ارتجاعی برخاسته است. حداقل نتیجه این مقاومت، کاسته شدن از آهنگ اجرای این برنامه و محدود شدن دامنه آن است.

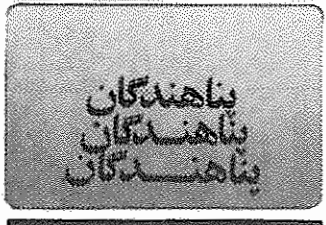


سیدکارگر راه آهن با کار گذاشتن یک خط آهن، یکی از خیابانهای اصلی ماری را برای چند ساعت مسدود کردند.

کشتی بسر برند تا دولت نروژ وضعیتشان را روشن کند. آنها از بیکاری مطلق رنج می‌برند. در کشتی هیچگونه آرامشی وجود ندارد. اتاق بعضی از پناهندگان در زیر دیسکو قرار دارد و از آنجا که سقف و دیوارها عایق کافی ندارند صدا در آنها می‌پیچد و پناهندگان ساکن در آنها بخاطر شدت سرما تا پاسی از شب قادر به خوابیدن نیستند. در همین قسمت جای تنگی نیز به یک خانواده همراه با فرزند خردسالشان داده شده است.

۱۰۷۱۸ تن ایرانی بوده‌اند. مجموع تعداد پناهندگان به آلمان فدرال در سال گذشته اندکی کمتر از ۱۰۰ هزار نفر بود. در حال حاضر حدود ۷۵۰۰ متقاضی پناهندگی در برلن غربی به سر می‌برند که تقاضای آنها هنوز مورد رسیدگی قرار نگرفته است و پسرارده شده است. از این شمار، ۵۵۲۹ نفر افراد بالغ و ۱۷۰۶ تن کودکان و نوجوانان کمتر از ۱۶ سال هستند.

از جمله مشکلات دیگر پناهندگان نداشتن لباس کافی در این فصل سرما است. غیر از تعدادی لباس که از سوی صلیب سرخ بین کودکان هایم توزیع شده است، به بقیه ساکنین هایم علیرغم شدت سرما و اعتراضات هنوز لباس گرم ندادند.



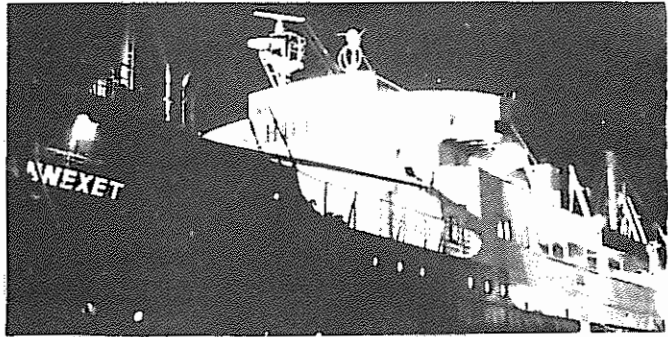
پولی که به خانواده‌ها جهت مایحتاج روزمره داده می‌شود، ۶۴ مارک در ماه است که آنهم صرف جبران کمبود غذای بچه‌ها می‌شود...

* یک پناهنده ایرانی ساکن در یکی از خوابگاههای پناهندگان شهر آکسبورگ در بایرن آلمان فدرال می‌نویسد: وضع رقت باره‌ای ما از حد گذشته است. این هایم مخصوص خانواده‌هاست. به پناهندگان این هایم در هفته یکبار سهمیه غذایی هفتگی شان را می‌دهند و آنها مجبورند طی هفته با همان بسازند، که مقدار آن به هیچ رو مواد لازم برای بدن یک انسان را تامین نمی‌کند. بعلاوه بخشی از آن تا آخر هفته خراب می‌شود. مثلا برای یک هفته به هر فرد چهار قطعه نان می‌دهند که دو قطعه آن در پایان هفته قابل خوردن نیست. این امر بارها اعتراض پناهندگان را برانگیخته است. به کودکان شیرخوار هم غذای مخصوص آنها را نمی‌دهند.

* امیر مکاری جوان ایرانی که با سوار شدن مخفیانه در کشتی "ایران جهاد" به بندر جنوا در ایتالیا آمده و در صدد بود که پناهنده شود، توسط پلیس این کشور به ایران بازگردانده شد. اکنون نگرانی شدیدی نسبت به سرنوشت این جوان وجود دارد. باز پس فرستادن این جوان ۲۲ ساله به ایران که بنا به درخواست حکومت خمینی و بدنبال بندوبست میان دولتهای دو کشور انجام گرفته اعتراضات وسیعی را از سوی عناصر و شخصیت‌های مترقی ایرانی و ایتالیایی برانگیخته است. از جمله رضا اولیا مجسمه‌ساز ایرانی مقیم این کشور در اعتراض به این اقدام دولت ایتالیا و بمنظور حفظ جان امیر مکاری دست به اعتصاب غذا زده است.

* روزنامه Priheten ارکان حزب کمونیست نروژ طی گزارشی در باره گروهی از پناهندگان که دربندر درامن در نزدیکی اسلو پایتخت نروژ بسر می‌برند، نوشته است پناهندگان در یک کشتی نروژی بنام ANBY اسکان داده شده‌اند. آنها از شیلی، فلسطین... عراق، ترکیه و ایران آمده‌اند، اکثرا ایرانی هستند. برای هر یک از آنها ۵ مترمربع جهت زندگی در نظر گرفته شده است. پناهندگان مجبورند از دو هفته ناده ماه در این

وضع بهداشت و سلامت پناهندگان نیز تعریفی ندارد. از آنها هیچگونه مراقبت جدی پزشکی بعمل نمی‌آید. یک دختر ۱۸ ساله ایرانی می‌گفت: بیماری کلیری دارم، بیماری مزمنی که در ایران هم داشتم و اکنون از درد شدید رنج می‌برم، یک بار یک دکتر نروژی برای معاینه‌ام به کشتی آمد و چند قرص بمن داد و رفت. اما در وضعیتم تغییری حاصل نشده است و قادر نیستم معالجه‌ام را دنبال کنم.



کشتی نروژی محل سکونت پناهندگان

* مقامات برلن غربی اعلام کردند در سال ۱۹۸۶، ۲۲۵۶۷ شهروند خارجی در این شهر تقاضای پناهندگی سیاسی کرده‌اند که از این تعداد،

به مناسبت ۱۷ دی، روز ورزش

رویدادهای ورزش کشور در یک نگاه

بقیه از صفحه آخر

مطابق به‌خشنامه ۲۰۰۰ نخست وزیری، محرومیت زنان از ورزش، اختصاص امکانات مادی و فنی و انسانی ورزش کشور به سیاه، بسیج و جبهه، محرومیت تیم ملی فوتبال ایران از راهپایی به دور دوم بازیهای مقدماتی جام جهانی مکزیک و همینطور محرومیت قهرمانان تیم ملی کشتی و وزنه برداری و برخی از داوران آنها از شرکت در مسابقات بین‌المللی بخشی از مجموعه سیاستهای ارتجاعی رژیم است که به "بحران ورزش" مآدام زده است. رژیم عدا ناپودی ورزش را دنبال می‌کند و صریحا می‌گوید: "اگر روزی مصالح انقلاب (بخوان رژیم فقها) اقتضا کند که ماکل ورزش را تسلیل کنیم این کار را خواهیم کرد".

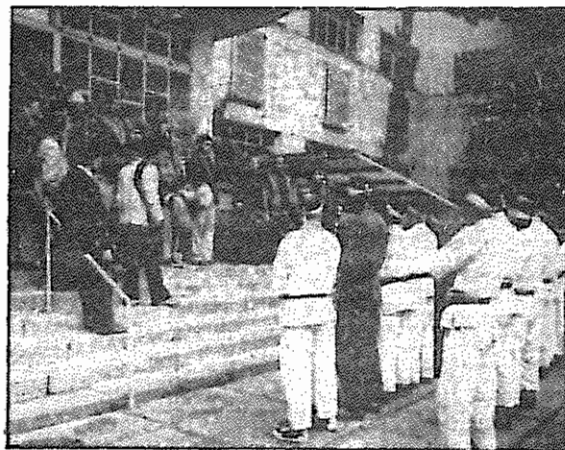
نگاهی به عملکرد و سیاست رژیم خمینی در برخی عرصه‌های ورزش کشور نشان می‌دهد که "این کار را" می‌کنند.

جنگ ورزش

دولت برای آنکه بتواند ورزش را نیز مستقیما به خدمت جنگ بکشد، مهرماه سال گذشته دستور تشکیل "ستاد امور جدی سازمان تربیت بدنی" را صادر کرد. نماینده سیاه که سرپرستی "ستاد" را عهده دار است طی نشستی با نمایندگان "صدا و سیما"، "تربیت بدنی"، "آموزش و پرورش" و سایر اعضای "ستاد" مقرر کرد "ستاد" نیروی انسانی سازمان تربیت بدنی و امکانات مالی و ورزشی فدراسیونها را در تهران و شهرستانها جمع آوری کرده و به جبهه ارسال کند. در مورد یکی از جلسات "ستاد" کیهان ۴ آذر سال ۶۴، به نقل از مسئول سازمان تربیت بدنی نوشت: "در این چانه برکزاری مسابقات ورزشی و اختصاص عواید حاصله از فروش بلیط این مسابقات به جبهه‌ها، جذب کمک‌ها و اعزام ورزشکاران و کارکنان تربیت بدنی و ارائه خدمات آموزشی فدراسیونها به رزمندگان اسلام مورد بحث و بررسی قرار گرفت." در پی تصمیمات این "ستاد" گروه، گروه ورزشکاران و مربیان ورزشی به اجبار و با ترسند به جبهه‌های جنگ اعزام شدند. به دستور تربیت بدنی مربیان آموزشی فدراسیونهای ورزشی موظف به آماده سازی "برادران بسیجی و

فوتبال"، "هزینه‌های برگزاری مسابقات" و... به طور مستقیم و غیر مستقیم به حساب جبهه اختصاص داده شده است. از طرف دیگر خود دولت نیز طی سال گذشته بودجه فدراسیونهای ورزشی را که رقم فوق‌العاده ناچیزی است به یک چهارم تقلیل داد. رئیس فدراسیون کشتی در گفتگویی اعلام کرد بودجه این فدراسیون از مبلغ ۵ میلیون و ۹۰۰ هزار تومان در سال ۶۲، به ۱/۵ میلیون تومان در سال ۶۴ کاهش یافت. یعنی بطور سرانه کمتر از ۴ ریال.

برگزاری مسابقات دو جانبه، مناقضی و چند جانبه تحت نام "قدس" و "هفته جنگ" برنامه‌های دیگر برای اخذی است. ورزشکاران برای مخالفت با این اقدامات در مهر ماه با عدم حضور در مسابقات "هفته جنگ" آن را در نیمه راه به تعلیلی



تصویری از اعزام ۲۶ تن از "کاراته‌کا" ها به جبهه

کشاندند و مطبوعات رژیم به این ورزشکاران اعتراف کردند که نام مقدس مسابقه را شکستند! اخیر نیز به بهانه سیل یک دوره مسابقه به راه انداخته‌اند. معلوم است که عواید این مسابقات نیز نه در اختیار سیل زدگان که در خدمت جنگ فرار خواهد گرفت.

نشوه اعزام تیم‌های ورزشی

به سفرهای خارجی

بر اعزام تیم‌های ورزشی هیاتی بنام "شورای تماسهای برون مرزی" نظارت می‌کند. در این هیات

پاسدار "برای انجام عملیات رزمی هستند. محمد زاده رئیس فدراسیون کاراته جمهوری اسلامی در گفتگو با "دنیای ورزش" ۲۰ اردیبهشت ۶۵، اعلام کرد: "هدف از اعزام این کاروان ۲۶ نفری به جبهه‌های نبرد حق علیه باطل، آموزش فنون رزمی به رزمندگان کفر ستیز اسلام است. تمامی این ۲۶ کاراته‌کا از مربیان و ملی پوشان تیم‌های ملی کاراته کشور هستند". بنا به گفته وی از بودجه ناچیز همین فدراسیون "مبلغ ۱/۵۰۰۰۰ ریال نیز به جبهه‌های جنگ" اختصاص یافت. در مورد فدراسیون شنا نیز روزنامه کیهان نوشته است: "فدراسیون شنا بیشتر استخرها را جهت آموزش شنا به رزمندگان سیاه و بسیج اختصاص داده و علاوه بر این آمادگی دارد با مربی شنا برای سیاه و بسیج آموزش داده و با رزمندگان اسلام را در آموختن فن شنا

نمایندگان کمیته ملی المپیک، نخست وزیری، سازمان تربیت بدنی، سازمان اطلاعات و امنیت جمهوری اسلامی (حراست)، وزارت امور خارجه و... شرکت دارند. قبل از ممنوعیت سفر تیم‌ها به خارج از کشور، لیست اعضای اعزامی هر تیمی که قصد خروج از کشور را داشت به این هیات داده می‌شد تا هیات پس از تحقیق نظر خود را در مورد صلاحیت سیاسی و "تعهد مکتبی" ورزشکاران جهت تصمیم به سرپرست سازمان تربیت بدنی ابلاغ کند.

مراد علی شیرانی مربی سابق تیم ملی کشتی در ۱۸ مردادماه طی مصاحبه با دنیای ورزش فاش ساخت که علاوه بر بررسی و تحقیق شورا هر فدراسیون نیز برای خود مقررات جداگانه‌ای برای اعزام دارد. وی در این مصاحبه در مورد اعزام تیم ملی جوانان به آلمان می‌گوید: "خود فدراسیون کشتی هم برای اینکه محکم‌کاری کرده باشد از کلیه افراد تیم ملی جوانان مبلغ ۵ میلیون ریال سند محضری برای تضمین گرفت". علاوه بر این وزارت امور خارجه و سازمان تربیت بدنی به هنگام تهیه "ویزا" برای اعضای تیم تلاش می‌کنند در صورت مقدور بودن به جای تهیه گذرنامه‌های مستقل برای ورزشکاران، گذرنامه دسته‌جمعی بگیرند تا ورزشکاران اعزامی قادر به جدا شدن از تیم نباشند.

نامور بودن این غل و زنجیرها برای جلوگیری از پنهانده شدن ورزشکاران در خارج رژیم را و داشت که سفرهای برون مرزی را لغو سازد. در تاریخ ۹ مردادماه فدراسیون فوتبال جمهوری اسلامی اعلام کرد "به علت وجود مشمولین خدمت و وظیفه در اکثر تیم‌ها و عدم قبول مسئولیت از سوی اداره حراست، اعزام تیم‌های ملی نوجوانان و جوانان به خارج از کشور منتفی اعلام می‌شود". پس از آن در ۱۲ مهر ماه کمیته برون مرزی سازمان تربیت بدنی سفر تیم ملی والیبال جوانان ایران به تایلند را لغو کرد. در پی اینها سفر تیم ملی کشتی به بوداپست در ۲۲ مهرماه و تیم فوتبال ناشنوايان در ۲۷ مهرماه به ژاپن لغو گردید.

در تاریخ ۲۰ مهر ماه رژیم تصمیم گرفت به طور کلی به سفرهای خارجی تیم‌های ورزشی خاتمه دهد. احمد درگاهی سرپرست سازمان تربیت بدنی در گفتگو به کیهان اعلام کرد تا اطلاع ثانوی "تیم‌های ورزشی ایران به مسابقات خارجی اعزام نخواهند شد".

مبارزه علیه برنامه های رژیم

مبارزه ورزشکاران علیه تحمیل معیارهای ارتجاعی رژیم، نظامی کردن ورزش و فضای خفقان بار محیطهای ورزشی، فدراسیون ها و باشگاه ها از همان ابتدا به طور فعال جریان داشته است. تاکنون بسیاری از طرح های ضد مردمی و ضد ورزشی به سبب مقاومت ورزشکاران و ورزش دوستان با شکست مواجه شده اند. "طرح ۲۷ ساله"، "طرح ۱۲ ساله" و "طرح منطقه ای" نمونه ای از آنهاست. مبتکر این طرح ها "شاه حسینی" اولین سرپرست سازمان تربیت بدنی بود. طبق این طرح ها بنابود عضویت افرادی که بیش از ۲۷ سال دارند در تیم های ملی کشور لغو شود و طبق "طرح ۱۲ ساله" شرکت ورزشی می بایست ممنوع گردد. "طرح منطقه ای" نیز نه بر گسترش ورزش بلکه بر تعطیلی باشگاه ها تاکید داشت. برای "شرعی و علمی" نشان دادن این طرح ها آیات و احادیث نیز به خدمت گرفته شده بود. برای به اجرا درآوردن طرح های مذبذب و وسیع تبلیغاتی براه انداختند. با مبارزه پیگیر ورزشکاران جلوی اجرای این طرح ها گرفته شد و همین مبارزه به عزل شاه حسینی منجر شد.

به جای شاه حسینی، مصطفی داوودی را گماردند. اورسالت هر چه اسلامی تر کردن ورزش و ورزشگاه ها را به عهده گرفته بود. داوودی از "سپاه" به سازمان تربیت بدنی راه یافته بود و قصد داشت با ضمیمه کردن این سازمان به سپاه پاسداران رسالت خود را انجام دهد. به خواست دولت و به دستور داوودی در اکثر شهرها امکانات فدراسیون ها را در اختیار سپنج و سپاه گذاشتند و اردوهای سپنج را به سالن های ورزشی منتقل کردند. ابتدا محدود سالن های ورزشی زنان و سپس محل ورزش مردان اشغال گردید. طرح لباس ورزشی اسلامی مردانه و زنانه نیز از ابتکارات حاج آقا مصطفی داوودی بود. اعتراضات گسترده و ایستادگی جامعه ورزش طرح های او را نیز به شکست کشاند.

بدنبال این شکست، موسوی نخست وزیر داوودی شسی یکی از مقربان خود را به سمت سرپرستی تربیت بدنی گمارد. داوودی دوم در همان ابتدا طی مصاحبه ای با مجله دنیای ورزش، تهدید کرد ورزشکاران و تیم های "خاطی" در صورت ادامه مخالفت به دست دستگاه قضایی سپرده

خواهند شد. او نیز با ورزش زنان سر عناد داشت. می گفت زنان را به میادین ورزشی راه می دهیم نه برای ورزش بلکه فقط برای تماشا. داوودی شسی با طرح تقسیم مسابقات فوتبال باشگاه های دسته اول، تدوین آیین نامه های دست و پا گیر، صادره احوال و امکانات باشگاه های استقلال و پرسپولیس به نفع "بنیاد" و انتصاب سرپرست بر آن و دخالت در برنامه های باشگاه ها در پی از رونق انداختن فوتبال و انحلال باشگاه های مهم ورزشی بود. به دستور وی چندین ماه از برگزاری مسابقات جلوگیری کردند و وقتی بر اثر فشار مردم و ورزش دوستان ناچار به راه اندازی مسابقات شدند به بهانه های واهی از پیروزی تیم های پر طرفدار عدا جلوگیری کردند. این اقدامات خشم و نفرت مردم را برانگیخت. خشمی افزون بر ناراضی عمومی آنان از رژیم که با هر زمینه مهیایی بروز می کند.

در زمان داوودی شسی ورزشگاه امجدیه دوبار (۱۷ مهر و ۲ آذر ۶۲) شاهد تظاهرات عظیم دهها هزار نفری بود. در جریان تظاهرات، مردم با شعار "مرگ بر خمینی" و سایر ورزشگاه رابه نشانه ابراز انزجار علیه رژیم به آتش کشیدند. در بهمن ماه سال ۶۴ نیز بار دیگر شعله های خشم مردم در ورزشگاه امواز برافروخته شد. در همین ماه در تهران هزاران جوانی که در یک مسابقه دو به مناسبت "دهه فجر" شرکت کرده بودند، در خیابانهای بولوار کشاورز و کریم خان زند دست به تظاهرات زدند. تظاهرات ورزشکاران جوان علیه رژیم، بازتاب فوق العاده ای در سطح کسور یافت.

بحران ورزش، بحران درون دستگاه رهبری سازمان های ورزشی را تشدید کرد. داوودی شسی نیز برکنار شد و به جای وی درگاهی آمد. او نیز طی همان راه و روش پیشین رادنبال کرد. تفرقه انداخت، تهدید کرد، دست به عوامفریبی زد. اما او نیز به جایی نبرده و نخواهد برد. حوادث یکسال گداشته نشان داد که چیرگی با کیست. جدایی چند ورزشکار از تیم ملی اعزامی به آلمان فدرال برای او یک شکست بود. موسوی نخست وزیر، ۱۸ روز پیش از شروع بازی های آسیایی برای جلوگیری از تکرار این حادثه طی بخشنامه ای که در کیهان ۹ شهریور ماه به چاپ رسید، دستور داد "به هیچ وجه افراد کم تعهد - هر چند که از نظر فنی خوب هم باشند - به مسابقات اعزام نشوند." با همه این

تهدیدات و سخت گیریهای شورای تماسهای برون مرزی ۴ نفر نیز در سئول از تیم های اعزامی جدا شدند. دیگر ورزشکاران پس از بازگشت به میهن اعتراض خود را علیه سازمان تربیت بدنی پی گرفتند. ۱۴ تن از آنان در یک حرکت اعتراضی جمعی اعلام داشتند که از عضویت در تیم ملی استعفا می دهند. این حرکت اعتراضی نیرومند تاثیر قابل توجهی در جلب افکار عمومی به بحران عمیقی که ورزش کشور را فرا گرفته است، برجای نهاد.

در تاریخ ۱۸ مهر ۶۵ به دنبال مسابقه تیم پرسپولیس و ملوان تظاهرات وسیعی صورت گرفت. این تظاهرات نیز بر زمینه نفرت عمومی مردم از رژیم و ناراضی شدید ورزشکاران و ورزش دوستان در پی بروز مسایل ورزشکاران در جریان بازیهای آسیایی رخ داد. در این تظاهرات شعار مردم مستقیماً علیه رژیم بود. این تظاهرات نشان داد که مجامع و میادین ورزشی همچنان برای رژیم ناامن است.

رژیم برای مرعوب ساختن ورزشکاران و فرونشاندن اعتراضات آنان ۱۴ ورزشکار مستعفی را از بازیها محروم کرده اعلام نمود. اسناد محرمانه پرونده این بازیکنان بررسی خواهد شد. در اعتراض به این تصمیمات، باشگاه های پرسپولیس و استقلال اعلام کردند در بازیهای باشگاهی شرکت نخواهند کرد.

مبارزه علیه رژیم خمینی در میادین ورزشی گسترش می یابد و رژیم برای غلبه بر مقاومت ورزشکاران به هر وسیله ای دست می یازد اما جز شکست نصیبی نمی برد. مبارزه در میادین و مجامع ورزشی ژرفتر و پرمخودتر از پیش پی گرفته می شود. در پیام کمیته مرکزی سازمان جوانان پیشگام ایران به مناسبت ۱۷ دی در بیان این حقیقت گفته شده است:

"مقاومت و مبارزه مردم علیه رژیم جنایتکار خمینی هر دم گسترش می یابد. محیطهای ورزشی و ورزشگاه ها به مراکز اعتراض جوانان علیه رژیم بدل شده است. اعتراضات متعدد ورزشکاران پس از شکست سئول و تظاهرات شجاعانه ورزشگاه آزادی یکبار دیگر نشان داد که رژیم نمی تواند خشم و اعتراض مردم ایران را مهار کند. شما ورزشکاران در این مبارزه می توانید نقش بزرگی بر عهده داشته باشید. هر حرکت اعتراضی شما شما علیه رژیم، در سطح جامعه بازتاب می یابد و از حمایت بی دریغ جوانان برخوردار می شود." ●

جنگ تمام عیار

بقیه از صفحه ۹

آن شهر و حمله هوایی باموشکی جمهوری اسلامی به بغداد و بصره و سلیمانیه و دیگر شهرهای عراق. تبلیغات جنگی متناسب با فضای یک جنگ تمام عیار شدت فوق العاده ای یافت. تاکید بر روی "حمله نهایی" به پای ثابت همه اظهارات مقامات رژیم بدل شد و مباردت به آن، موکول به هنگامی شد که "جبهه ها کاملاً بر شود." تا بهار و تابستان، شهریور ماه را به عنوان مقطعی که جبهه ها کاملاً مملو می شود، در نظر گرفته بودند. پس از آن از زمان معینی نام نبردند، اما تاکید می کردند که سال ۶۵، سال سرنوشت است. اکنون که سال ۶۵ نیز رو به اتمام می نهد، تاکید در این زمینه کمرنگ تر شده است، اما تبلیغ در زمینه "جنگ تمام عیار" و بسیج در راستای آن و دادن وعده حمله نهایی همچنان در جای خود باقی است. این تبلیغات در سه هفته اخیر شدت بیشتری یافته است.

اوج جنون

دو حمله کربلای ۴ و ۵ پس از ۹ ماه تبلیغ بر روی جنگ تمام عیار صورت گرفته است. این دو حمله به مرحله جدید جنگ تعلق دارند و از همیروست که با سه کربلای پیشین متفاوتند. تاکید بر روی این تمایز از آنرو اهمیت دارد که واقعیت بن بست جنگ در هنگام بررسی دو حمله تازه، با علم بر این که این دو حمله پس از ماهها بسیج تمام عیار و همه جانبه صورت گرفته است، از پیش روشن تر می شود.

کربلای ۴ حاصل ۹ ماه بسیج نیرو بود اما شهرهای همچون بدر داشت، کربلای ۵ از کربلای ۴ فراتر رفت، کربلای ۶ نیز چیزی جز کربلای ۵ نخواهد بود. نتیجه جنگ تمام عیار پیروزی های بیشتر نیست، کشتارهای بیشتر است. این مرحله شاخص اوج گیری جنون جنگ طلبی جمهوری اسلامی است. در این مرحله وحشی گری و جنون به نهایت می رسد. هر حمله دهها هزار کشته به جامی نهد. آیا ۲۵۰۰۰ کشته و زخمی در طی یک حمله کافی است؟ منطق جنگ تمام عیار می گوید: نه! بیشتر، بیشتر، بیشتر! آیا این پرده آخر است؟ آری، مگر این که مرحله جنگ تمام عیارتری را نیز در پی داشته باشیم. اما جنگ تمام عیار از آرشو تمام عیار است که اوج مطلق جنون است و در آنجایی که از مطلق سخن می رود، تفضیل جایز نیست ●

در مرکز تضادهای ژرف

یادداشت‌هایی درباره اقتصاد ایالات متحده آمریکا

مقاله ای از پروادا - نهم سپتامبر ۱۹۸۶ نوشته
پروفسور و ریسمالوف، دکتر علوم اقتصادی

اخبار اقتصادی ایالات متحده آمریکا در این روزها ابرهای مترکم هولناکی را بخاطر می‌آورد. نمودارها و آمارهای ناخوشایند هر چه بیشتر بورس سرمایه‌ای را دچار نوسان می‌کند. آهنگ رشد اقتصادی در مقیاس کشور در سه ماهه دوم در محاسبه سالانه یکی از ناخوشایندترین آهنگ‌های رشد در طی سه سال گذشته بود و ۰/۶ درصد را تشکیل می‌داد. در آغاز سه ماهه سوم نیز در ژوئیه میزان سفرهای انحصارات آمریکایی ۲/۲ درصد افزایش یافت که رشد سفرهای غیرنظامی تنها ۰/۵ درصد رشد کرد.

پدیده‌های امروزی رکود در اقتصاد ملی ایالات متحده آمریکا به هیچ وجه تصادفی نیست. این پدیده‌ها ریشه‌های عمیقی در رشد اقتصادی و توسعه اقتصادی پیشین کشور دارند.

همانطور که در متن جدید برنامه حزب کمونیست اتحاد شوروی خاطر نشان گردیده است، مناقشه بین نیروهای مولده‌ای که رشد عظیمی کرده‌اند و مناسبات تولیدی سرمایه‌داری هر چه شدیدتر می‌شود. "بی‌ثباتی درونی اقتصاد که در کاهش آهنگ کلی رشد آن و در درهم آمیختگی و تمیق بحران‌های ادواری و ساختاری تجسم می‌یابد، تشدید می‌شود". این روندها برای اقتصاد آمریکا، که اینک بیش از یک سوم مجموع کالاها و خدمات تمامی کشورهای سرمایه‌داری در آنجا تولید می‌شود، روندهایی متداولند.

تصویر نهایی سالیهای ۸۰ هنوز بطور کامل پدید نیامده است. بخصوص درشش سال اول دهه جاری که، پنجسال آن با دوره زمامداری هیات حاکمه کنونی ایالات متحده آمریکا مصادف بود، گرایش به کاهش رشد شاخص‌های اساسی اقتصادی این کشور، دقیقاً آشکار گردید. آمارهای آخرین "گزارش رئیس‌جمهور به کنگره ایالات متحده آمریکا" گواه این امر است. از جدول پیداست که، آهنگ رشد تولید ناخالص ملی کشور در سالهای ۱۹۸۵ - ۱۹۸۰ یک سوم کمتر از شش سال قبل و در مقایسه با سال‌های ۱۹۷۲ - ۱۹۶۰ بیش از دو بار کمتر است.

آهنگ متوسط رشد سالانه اقتصاد ایالات متحده آمریکا (درصد)

سال	تولید ناخالص ملی	صنایع	عرصه خدمات
۱۹۷۲-۱۹۷۱	۴/۰	۲/۶	۱/۸
۱۹۷۱-۱۹۷۰	۵/۱	۲/۷	۲/۰
۱۹۶۰-۱۹۵۹	۴/۴	۳/۳	۱/۸

مسئله در پس مقادیر نهایی تولید ناخالص ملی، نابرابری‌های عظیم و همچنان فزاینده رشد و تکامل عرصه‌ها و رشته‌های جداگانه‌ای که ساختار آنها در سال‌های اخیر حاوی تغییرات چشمگیری بوده است، پوشانده می‌شود. اما حتی با در نظر گرفتن این امر می‌توان درباره وخیم شدن روزافزون شرایط بازرگانی تولید گسترده در مقیاس تمامی اقتصاد ایالات متحده آمریکا سخن گفت.

ایالات متحده آمریکا در این باره که، "لکوموتیو" مسابقه تسلیحاتی محرکی برای تمامی اقتصاد آمریکا می‌باشد، مسلم شده است. میلیتاریسم لجام گسیخته سرانجام درست به نتایج عکس منجر می‌شود. طبق آمارهای رسمی که اخیراً به چاپ رسیده‌اند، میزان کمی تولیدات کل صنعتی کشور در اواسط سال ۱۹۸۶ پایین‌تر از سطح مربوطه اواسط سال قبل بود. تصادفی نیست که ارگان‌های برجسته محافل بازرگانی ایالات متحده آمریکا با نگرانی فزاینده‌ای متذکر می‌شوند که عتربیک فشارسنج اقتصادی کشور تمایل از رونق به افت نوبتی را آغاز می‌کند.

بنابر این، دولت ر. ریگان ورشکستگی تلاش‌هایش برای "مبار زدن" جریان عینی حرکت ادواری اقتصاد سرمایه‌داری با شیوه‌های تنظیم دولتی - انحصاری را نشان می‌دهد.

اوضاع بسیار بحرانی در سال‌های ۸۰ در کشاورزی کشور پدید آمد. مشاورین اقتصادی رئیس‌جمهور در اینجا مجبور شدند تأیید کنند که، فعالیت دولت "به انحراف اقتصادی اساسی" منجر گردیده و "عدم کارایی خود را نشان داده است". بدمی زمین‌داران ابعاد بی‌سابقه‌ای یافت.

"ریگانومیک" به کثرت چنین "رکوردها" بی‌را بهار آورده است. رشد عظیم کسری بودجه فدرالی کشور نیز از آن جمله می‌باشد. تنها در مدت زمامداری دولت کنونی این کسری چندین بار افزایش یافته است. درست است که هیات حاکمه، بدفعات وعده داده است در آینده کسری بودجه را قدری کاهش دهد، اما عداوت از طریق کاهش دادن اعتبارات برای نیازهای اجتماعی مردم، هزینه‌های نظامی نیز پیش‌بینی و هرچه بیشتر افزایش داده می‌شود. بدین ترتیب، میلیتاریسم و سابقه تسلیحاتی هنوز سنگین‌ترین بار را بردوش اقتصاد ایالات متحده آمریکا قرار خواهند داد.

بدمی‌های دولتی به لحاظ کیفی به بالاترین سطح رسیده است. قروض دولت فدرال در سال ۱۹۸۶ رقم نجومی، بیش از ۲۰۰ میلیارد دلار - را تشکیل می‌دهد. جهت مقایسه یادآور می‌شویم که، در اولین سال‌های پس از جنگ این بدمی حدود ۲۵٪ تریلیون دلار بود. اکنون این بدمی بالغ بر نیمی از تولید ناخالص ملی کشور است.

هیات دولت بطور تبلیغاتی اطمینان می‌دهد، گویا سیاست آن رفاه "بدون استثناء" تمامی اهالی آمریکا را به همراه داشته است. اما آمارها بگونه دیگری سخن می‌گویند. تنها طی شش سال اخیر درآمد خاص صاحبان موسسات مالی ایالات متحده آمریکا تقریباً سه چهارم افزایش یافت، درحالیکه دستمزد واقعی هفتگی کارگران و کارمندان در همان سال‌ها در مقایسه با دهه‌های گذشته بطور متوسط ۷ درصد پایین آمد. در عین حال بیکاری ابعاد تهدید کننده‌ای می‌یابد. در سال‌های ۱۹۸۲ - ۱۹۸۲ تعداد بیکاران تمام وقت، تنها بنابه آمارهای رسمی، در تاریخ پس از جنگ کشور به بالاترین ارقام رسید که، ۱۰/۷ - ۱۰/۶ میلیون نفر یا ۹/۵ درصد تمامی نیروی کار کشور را تشکیل می‌داد. در حال حاضر تنها تعداد بیکاران تمام وقت تقریباً از یک و نیم برابر سطح متوسط سال‌های ۷۰ تجاوز کرده است.

سال‌های ۸۰ به لحاظ وخامت فوق‌العاده مایل اقتصادی خارجی ایالات متحده آمریکا متمایز می‌شوند. قابلیت رقابت کالاهای صادراتی آمریکایی بطرز بی‌سابقه‌ای متزلزل کرد. در عین حال تأثیر تشدید کننده "ریگانومیک" بر پدیده‌های بحرانی در اقتصاد معاصر جهانی سرمایه‌داری سرعت افزایش می‌یابد. این امر بی‌ثباتی تمامی سیستم بهم پیوسته اقتصادی و ارزی - مالی غرب را تشدید می‌کند.

صنعت مثل سابق عرصه تعیین کننده و بطور ادواری ایجادگر باقی می‌ماند، عرصه‌ای که در آن بحران‌های ادواری اضافه تولید سرمایه‌داری بوجود می‌آیند و شکل می‌گیرند. در سال‌های ۱۹۸۵ - ۱۹۸۰ در مقایسه با شش ساله قبل آهنگ رشد در صنایع تبدیلی تقریباً یک سوم و در صنایع استخراجی سه برابر کاهش یافت.

از آغاز دوره بعد از جنگ و در پایان دهه‌های گذشته ایالات متحده آمریکا با شش مورد افت اقتصادی روبرو بوده است. دو مورد از آنها در سال‌های ۷۰ روی داد. این بحران‌ها، بویژه عمیق‌ترین آنها در دوره پس از جنگ، بحران سال‌های ۱۹۷۵ - ۱۹۷۴، اولین تأثیر را بر شکل‌گیری گرایش به کاهش آهنگ رشد کلی اقتصادی ایالات متحده آمریکا در این دوره داشت. در سال‌های ۸۰ این گرایش هر چه بیشتر تشدید گردید.

رهمران کنونی ایالات متحده آمریکا لاجوانه تلاش می‌کنند افسانه رونق دهنده بودن "ریگانومیک" را تثبیت کنند. اما در عمل به هیچ وجه چنین وضع مساعدی بوجود نیامد. آغاز دهه‌های جاری دوره بی‌نهایت سختی بود. در طول سه سال اول آن تولید عمومی کشور در حالت رکود و افت بحرانی قرار داشت. به راستی، گویا سال ۱۹۸۱ تغییراتی بسوی بهبود را وعده می‌داد. در همان آغاز سال ۱۹۸۲ در گزارش اقتصادی نوبتی رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا به کنگره اعلام شده بود که، علل اساسی افت، که "سیاست اشتباه" دولت سابق موجب آن گردیده بود، با موفقیت رفع شده است. رشد ۲/۰ درصد تولید ناخالص ملی برای آن سال پیش‌بینی شده بود. علیرغم این پیشگویی‌ها میزان واقعی تولید ناخالص ملی ایالات متحده آمریکا در سال ۱۹۸۲، ۲/۵ درصد و در محاسبه سرانه تقریباً ۲/۵ درصد کاهش یافت. چنین تنزلی در سطح سالانه تولید ناخالص در هیچ یک از بحران‌های پیشین پس از جنگ مشاهده نشده بود. سپس گرچه جنب و جوش معینی آغاز گردید، اما سهم سرانه تولید ناخالص ملی در سال ۱۹۸۲ هنوز از قبل از سال بحرانی ۱۹۷۹ پایین‌تر بود. در نتیجه در طول چهار سال اقتصاد ایالات متحده آمریکا زیر فشار اوضاع بحرانی بسر می‌برد.

در اقتصاد سرمایه‌داری معمولاً بدنبال فاز بحران‌سی و بهبود دوره رونق ادواری فرا می‌رسد. چنین رونقی این بار نیز فرا رسید. سال ۱۹۸۴ حاوی رشد جهشی تولید در اکثر رشته‌ها بود. هیات حاکمه دوباره شروع به توصیف آینده امیدبخش "ریگانومیک" نمود.

اما رشد تولید ناخالص ملی در سال ۱۹۸۵ به مراتب کمتر از سطح پیش‌بینی شده و تقریباً سه برابر پایین‌تر از سال ۱۹۸۴ بود. در نیمه اول سال جاری نیز رویدادها با همین ست‌گیری رشد و تکامل می‌یافت. آخرین رونق ادواری عملاً یکی از ناپایدارترین موارد در تاریخ پس از جنگ ایالات متحده آمریکا از آب درآمد. تأثیر گرایش دراز مدت کاهش آهنگ رشد قادر به ممانعت از صعود مستمر صنایع نظامی نگردید.

شکست محاسبات استراتژیک محافل حاکمه

دیدار شوارز ناذره از کابل

ادوارد شوارز ناذره وزیر امور خارجه اتحاد شوروی هفته گذشته از کابل دیدار کرد. در این دیدار که از دوشنبه پانزدهم تا چهارشنبه هفدهم دیماه به طول انجامید، آنتولی دوبرینین دبیر کمیته مرکزی و رئیس شعبه روابط بین المللی حزب کمونیست شوروی شوارز ناذره را همراهی نمود. در پایان این دیدار، اتحاد شوروی و افغانستان از همه طرفهای درگیر در مسئله خواستند بطور جدی و واقع بینانه پیشنهاد کابل برای آتش بس در افغانستان را بررسی و از موقعیت برای حل سیاسی اختلافات استفاده کنند. در بیانیه مشترک شوروی و افغانستان آمده است: آتشی که به این فراخوان پاسخ مثبت نمی دهند، مسئولیت ادامه خونریزی، مصائب مردم افغانستان و تشدید وخامت اوضاع بین المللی را بر عهده دارند.

وزیر خارجه شوروی در مصاحبه ای با خبرنگاری افغانی باختر گفت میان مشی رهبری افغانستان دایر بر آشتی ملی و حل سیاسی مسئله، ارتباط بلاواسطه، مستقیم و تنگاتنگی وجود دارد و افزود: "سیاست آشتی ملی می تواند شرایط واقعی داخلی برای حل سیاسی اوضاع پیرامون افغانستان را فراهم کند." شوارز ناذره خاطر نشان ساخت بازرگانی میان دو کشور، به ویژه مبادلات تجاری مرزی، گسترش خواهد یافت و همکاریهای دو کشور در جهت ایجاد اشتغال برای افغانیهای مهاجری که به کشور خود بازمی گردند، عمل خواهد کرد.

ادوارد شوارز ناذره طی دیدار از کابل اظهار داشت افغانستان وارد مرحله جدیدی از تحولات شده است و ابراز امیدواری کرد سال ۱۹۸۷ به سال آشتی ملی در این کشور تبدیل شود، سالی که برای افغانستان به مثابه کشوری مستقل و حاکم بر سرشود خود، با سیاست بیطرفی و عدم تعهد، با آغازی نو همراه باشد. وی افزود هم اکنون راه حل سیاسی مسئله نزدیکتر از همیشه است.

به گزارش مطبوعات غرب، سیاست آشتی ملی رهبری افغانستان باعث بروز اختلافاتی در صفوف گروههای اپوزیسیون افغانی شده است. علیرغم مخالفت برخی سرکردگان باندهای ضد انقلابی، شماری از شخصیت های اپوزیسیون تصمیم گرفته اند

در این میان ایالات متحده آمریکا ضمن حفظ کنترل بر بسیاری از مواضع اصلی اقتصاد معاصر جهان سرمایه داری، هنوز امکان واقعی دارد تا بخش قابل ملاحظه ای از بار مسایل بحرانی خود را بدوش رقبای اصلی خود یعنی کشورهای اروپای غربی و ژاپن و بخصوص بر دوش کشورهای در حال رشد بگذارد. اما این سیاست هر چه بیشتر با واکنش فعالانه کشورهای قربانی تجاوز ایالات متحده آمریکا مواجه می شود. در کل، تلاش ارتجاعی ترین و تجاوزکارترین محافل سرمایه انحصاری آمریکایی که زاه خروج از مشکلات بطور سیل آسا فزاینده را در تعرض بیشتر به سطح زندگی زحمتکشان، مسابقه تسلیحاتی جنون آمیز و تبدیل ایالات متحده آمریکا به تکیه گاه اصلی نیروهای امپریالیسم می یابد، تنها این مشکلات را دشوارتر می سازد. در نتیجه، برای وی بحران سیستم سرمایه داری معاصر دولتی - انحصاری با تمام عواقب مولناک اقتصادی و اجتماعی ناشی از آن بیش از پیش تشدید می شود.

به فراخوان رهبری افغانستان پاسخ مثبت بدهند. نیروی هوایی پاکستان برای جلوگیری از سفر این شخصیت ها به کابل، مرزهای پاکستان و افغانستان را تحت مراقبت شدید گرفته است. محمد یوسف، عبدالحکیم طیبی و عبدالرحمن پژواک از شخصیت های اپوزیسیون، برای مذاکره با مقامات افغانستان از طریق هند عازم کابل شدند. مطبوعات غرب، علت بروز وقفه در این سفر را "اختلافات داخلی" گروه سه نفری نامبرده ذکر کرده اند. محمد نجیب دبیر کل کمیته مرکزی حزب دمکراتیک خلق افغانستان اعلام کرد دولت این کشور در حال حاضر با ۴۱۷ گروه مخالف که مجموعاً ۲۸ هزار عضو دارند، در مذاکره است.

دو حمله هوایی اسرائیل به لبنان

یکشنبه چهارم و پنجشنبه هشتم ژانویه، نیروی هوایی اسرائیل چندین دهکده را در جنوب لبنان بمباران کرد. در حمله ۱۰ هلی کوپتر اسرائیلی به ۶ دهکده در جنوب لبنان که روز چهارم ژانویه صورت گرفت، حداقل ۱۵ تن کشته شدند. حمله روز پنجشنبه نیز که به ادعای صهیونیستها علیه مواضع فلسطینیها

نمایندگان دولت فیلیپین و جبهه دمکراتیک ملی سه شنبه گذشته در مانیل برای مذاکره پیرامون چارچوب گفتوهای آینده صلح در این کشور ملاقات کردند. از تاریخ دهم دسامبر گذشته آتش بسی که محدود به ۶۰ روز است، میان نیروهای دولتی و انقلابیون برقرار شده است. موافقتنامه آتش بس را دولت کورازون آکینو و جبهه دمکراتیک ملی به نمایندگی از سوی احزاب و سازمانهای چپ، از جمله ارتش نوین خلق، از سوی دیترا، امضا کردند. کورازون آکینو در صدد است ارتش نوین خلق را متقاعد سازد به مبارزه مسلحانه خود که ۱۷ سال

صورت گرفت، شماری کشته و زخمی به همراه داشت. در روز جمعه دوم ژانویه حداقل ۶ مزدور عضو "ارتش جنوب لبنان" به فرماندهی آنتوان لحد در حمله نیروهای مقاومت لبنانی به مواضع این نیروی دست نشانده اسرائیل کشته شدند. دو زرهپوش و یک تانک این ارتش در حمله مزبور نابود گردید. مقامات اشغالگر اسرائیلی هفته گذشته دانشگاه نابلس را تعطیل کردند. این اقدام آنها به منظور مقابله با تظاهرات دانشجویان فلسطینی که اخیراً در کراته غربی اشغالی رود اردن گسترش یافته است صورت گرفت.

اخبار کوتاه

* نرخ دلار در بازارهای ارز جهانی همچنان رو به کاهش است. هفته گذشته ارزش دلار آمریکا از مرز ۱/۱ مارک آلمان قدرال پایین رفت.
* دولت ویتنام اعلام کرد در درگیریهای مرزی سه روزه ای که هفته گذشته میان این کشور و چین روی داد، نیروهای ویتنامی ۱۵۰۰ سرباز چینی را از پای آورده اند. دولت چین وقوع این درگیریها را تایید کرده است.

مذاکرات دولت و انقلابیون در فیلیپین

است ادامه دارد، پایان دهد. جبهه دمکراتیک ملی پایان دادن به مبارزه مسلحانه را منوط به تحقق خواستههای اقتصادی و سیاسی مشخصی، از جمله اصلاحات ارضی گسترده و انحلال پایگاههای نظامی آمریکایی سازد. موافقتنامه آتش بس و سیاست آکینو مبنی بر مذاکره با جبهه دمکراتیک ملی، با مقاومت ژنرالهای ارتش و از جمله ایلتو وزیر دفاع جدید فیلیپین روبرو شده است. آنها علیرغم ابراز وفاداری به دولت آکینو، علیه این سیاست موضع آشکار می گیرند.



دیدار بسیار کوتاه . . . این رزمنده فیلیپینی ارتش نوین خلق با استفاده از اولین روز آتش بس به دیدار خانواده اش که سالها ندیده بود شتافت. رامس رئیس ستاد ارتش فیلیپین حضور مبارزین کمونیست را با سلاح در جماع عمومی مورد نکوهش قرار داد. وی تاکید کرده است که "آتش بس وسیله ای است از طرف کمونیستها جهت تصرف قدرت."

اثرش: اعتصاب غذا در همبستگی با زندانیان سیاسی ایران



در صفحه ۱۰

فرانسه: این است قدرت کارگران!

در این موقعیت، چاره را در این می‌بیند که تقصیر وخامت اوضاع را به گردن حزب کمونیست فرانسه و اتحادیه ت. ژ. ت. بیان داند. حزب کمونیست فرانسه این مانور شیراک را محکوم کرده است. هفته گذشته هنگامی که سایر اتحادیه‌های کارگری فرانسه نیز که مواضع ناپیکرانه داشته‌اند، به اعتصاب پیوستند، انزوای شیراک افزایش یافت. علیرغم ادعای مطبوعات و رسانه‌های گروهی امپریالیستی که می‌گویند اقدامات شمار معدودی از فرانسوی‌ها در اعتراض به اعتصاب را برجسته سازند، نظرخواهی روزنامه اومانیت و حتی تحقیقات خبرگزاری آلمان فدرال حاکی است دامنه انتقاد از اعتصابیون بسیار محدود است و در عوض، مخالفت با شیراک طی هفته‌های اخیر نزدیک به ۱۰ درصد افزایش یافته است.

در تلووز در گردهمایی فعالین سندیکایی وابسته به جریان‌های سیاسی و اتحادیه‌های گوناگون کارگری ۸۰ درصد شرکت‌کنندگان رای به ادامه اعتصاب دادند. در پاریس ۷۰ درصد اعضای اتحادیه‌های کارگری موافق ادامه اعتصاب هستند.

اعتصاب کارگران فرانسه باعث شده است که دولت شیراک حتی از سوی میتران رئیس جمهور نیز مورد نکوهش قرار گیرد. وی طی سخنانی گفت: "از آنجا که به برخی گروه‌های اهالی ۲۵ میلیارد فرانک داده شده است، هم اکنون دریافتن ۱۷ میلیارد فرانکی که برای پرداختن به کارکنان مزدبگیر بدان نیاز است، دشواری پیش آمده است." منظور میتران، بقیه در صفحه ۱۱

اعتصاب کارگران موسسات مختلف دولتی در فرانسه هفته گذشته گسترش یافت. کارگران اعتصابی راه آهن دولتی فرانسه همچنان از بازگشت به سرکار خود خودداری می‌کنند. کارکنان شرکت دولتی برق و گاز فرانسه نیز برای به‌کری نشان دادن خواسته‌های خود مبنی بر افزایش دستمزد و بهبود شرایط کار، دست به اعتصاب زدند و چندین بار جریان برق را در سراسر کشور قطع کردند. قطع برق در تولید بسیاری از کارخانجات اختلال ایجاد کرده است. کارگران بسیاری از بنادر نیز دست به اعتصاب زده‌اند. در بندر ماریس بر اثر اعتصاب کارگران، تخلیه نفت از کشتی‌ها متوقف شده و در نتیجه جریان نفت خام از این بندر به پالایشگاه‌های فرانسه، آلمان فدرال و سوئیس به زودی قطع خواهد شد. کارکنان متروی پاریس نیز در اعتصاب به سر می‌برند و تنها کمتر از نیمی از قطارهای مترو رفت و آمد می‌کنند.

طبقه کارگر فرانسه به رهبری اتحادیه نیرومند "کنفدراسیون عمومی کار" (ت. ژ. ت.) قدرت خود را به نمایش گذاشته است.

ژاک شیراک نخست‌وزیر محافظه‌کار فرانسه که تنها در ظرف ۱۰ ماه حکومت کابینه‌اش با دو جنبش گسترده و عظیم علیه سیاست‌های دولت خود مواجه شده است، در برابر جنبش دانشجویان ناچار به تسلیم شد و در مقابل موج اعتصاب کنونی نیز با دشواری‌های بزرگی دست و پنجه نرم می‌کند. حادثه‌ترین اعتصاب در فرانسه از ۱۸ سال پیش بدین سو شیراک را شدیداً تحت فشار قرار داده است. وی

به مناسبت ۱۷ دی، روز ورزش

رویدادهای ورزش کشور در یک نگاه

بهین‌المللی در اثر سیاست‌های به‌غایت ارتجاعی و قرون وسطایی رژیم خمینی یک به یک محو و نابود شده‌اند. رژیم خمینی طی حکومت خود، در این عرصه نیز نه تنها آجری روی آجر نگذاشته بلکه هر خشتی را نیز سراع کرده فرو ریخته است. ۲۶ سال پیش تیم کشتی آزاد ایران در مسابقات جهانی که در "بوکوها" برگزار گردید با کسب ۵ مدال طلا، ۲ نقره و یک برنز به مقام قهرمانی جهان دست یافت. در این تیم که مرکب از ۸ نفر بود تختی نیز حضور داشت. چهار سال بعد بازم تیم ایران در منچستر انگلستان از مقام جهانی خود دفاع کرد. اما اکنون در رژیم جمهوری اسلامی، کشتی ایران نه تنها نمی‌تواند از عناوین جهانی خود دفاع کند، حتی مقام قهرمانی بازیهای آسیایی، مقامی که ۲۵ سال پیش بدست آورده بود را نیز از دست داده است. این نشانگر "بحران ورزش" و نقش مخرب سیاست‌های ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی است.

حذف معلم ورزش دبستانها بقیه در صفحه ۱۲

مقدم دی ماه روز ورزش و نوزدهمین سالروز شهادت جهان پهلوان تختی چهره نامدار ورزش ایران بدست دژخیمان ساواک شاه بود. تختی طی زندگی ورزشی خود به پیروزیهای چشمگیر بسیاری نایل شد اما آنچه نام او را بلند آرزو و خاطره‌اش را جاودانی کرد، صداقت و انساندوستی، تعهد و عشق او به مردم زحمتکش بود. تختی از میان زحمتکشان خانی آباد تهران برخاست، در میان آنان زندگی کرد، عشقتان را به دل گرفت و در راه بهروزی آنان جان باخت.

جامعه ورزشی ما با الهام از سرشت و خصایل انسانی چنین پهلوانی، تاکنون قهرمانان بسیاری را پرورش داده است. اکثر این قهرمانان از میان خانواده‌های زحمتکش برخاسته‌اند و با همت و رشادت خود در میدان مسابقات جهانی پیروزیهای بزرگی کسب کردند.

امروزه این دستاوردها هم در صحنه مسابقات داخلی و هم در میادین

برای اشتراك نشریات "کار" و "اكثریت" در خارج از کشور فرم زیر را پر کرده و همراه رسید بانکی پرداخت بهای اشتراك (ویا معادل آن کوبین بین‌المللی پستی)

به آدرس نشریه ارسال نمایید:

دیگر نقاط اروپا	۱۱ مارک	۱۳ مارک	بهای اشتراك نشریه "کار":	<input type="checkbox"/> شش ماهه
	۲۱	۲۴		<input type="checkbox"/> یک ساله

دیگر نقاط اروپا	۲۷ مارک	۳۰ مارک	بهای اشتراك نشریه "اكثریت":	<input type="checkbox"/> سه ماهه
	۵۲	۵۸		<input type="checkbox"/> شش ماهه
	۱۰۲	۱۱۵		<input type="checkbox"/> یک ساله

آدرس کامل (لطفاً خوانا بنویسید)

AKSARIYAT
NO. 140
MONDAY JAN. 12 - 87
Address: آدرس:
RUZBEH
POSTFACH 1810
5100 AACHEN
W. GERMANY

حساب بانکی:
AUSTRIA - WIEN
BAWAG
(BANK FÜR ARBEIT UND WIRTSCHAFT)
NR. 02810701-850
DR. GERTRAUD ARTNER